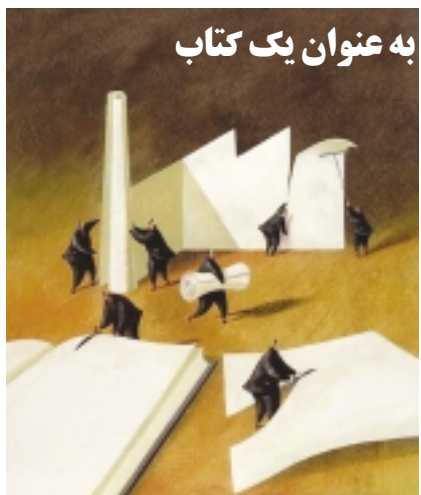


# کتاب هفته

روزنامه فرهنگی کتاب می آید  
 شماره ۱۵ از ۱۳۹۳  
 شماره ۲۸۹، پیاپی ۵۶۶  
 شماره ۱۰۰، تومان  
[www.ketabehafti.ir](http://www.ketabehafti.ir)

سلام آقای نگهبان  
 من خبرنگار کتاب هفته هستم  
 ۸



## هر نسخه به عنوان یک کتاب

**خبر**  
**تأکید بر تشکیل دبیرخانه دائمی جشنواره کتاب**  
**جشنواره نقد کتاب**  
 گروه خبر کتاب هفته، دبیرخانه دائمی جشنواره نقد کتاب باید در مؤسسه خانه کتاب تشکیل شود.  
 احمد مسجدجامعی، دبیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دیدار با اعضای شورای برنامه ریزی نخستین جشنواره نقد کتاب ضمن بیان ملاحظات فوق از تحقق یکی دیگر از برنامه های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران خبرسندی کرد و بر لزوم پبستر جشنواره نقد کتاب تأکید نمود. اعضای شورای برنامه ریزی شکل گیری جشنواره، عملکرد دبیرخانه و ساد اجرایی و روند دآوری آثار به اطلاع احمد مسجدجامعی رساندند.

## اسامی برگزیدگان امروز

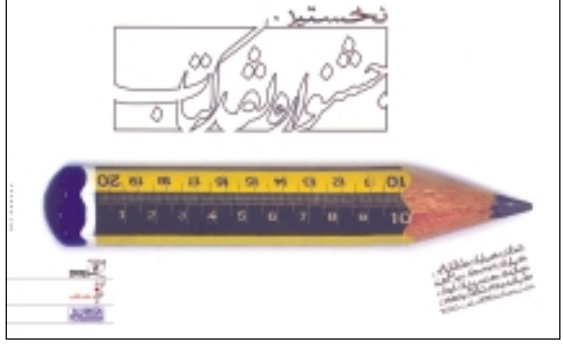
بزرگداشت حامیان نسخ خطی ۴

حجت الاسلام رضا مختاری، فهرستگان:  
**احیای تراث، اهل فن می خواهد**  
 ۱۳  
**ایران به ISMN پیوست**  
 ۱۶

جمعه ۶ آذر ۸۳  
**جشنواره رسانه و کتاب**  
 تبران، بلوار کشاورز، هتل بلوار

## گام تازه؛ گسترش بانک اطلاعاتی کتاب

بیش از ۱۰ هزار عنوان از صفحات اولیه کتاب های منتشر شده در سال ۱۳۸۳ به اطلاعات کتابشناختی اضافه شد ۲



## اهمیت جهانی نسخ

## به دنبال نقد های روشمند و راهگشا

دیدگاه های میدی آنریزی، عمران صلاحی  
 میرجلال الدین کزازی، جلال الدین اعلمو ابوتراب خسروی

نقد چه جایگاهی دارد؟ در پاسخ به این پرسش عده ای بر این باورند، نقد ادبی جدا از نقد و نقد به مفهوم عام قابل تصور نیست، چون جامعه ایران سابقه یک استفاده طولانی در طول تاریخ را دارد، فرهنگ نقدپذیری در جامعه ما نهادینه شده است و ناگزیر ما امروز نقد ادبی نداریم آیا دانشکده های ادبیات وظیفه تربیت منتقد را دارند؟ البته آثار تئوریک نقد که در دهه اخیر ترجمه و منتشر شده، آیا به دانش نقد در توده ما منجر شده است؟ آنچه به عنوان نقد در مجلات ادبی و در مطبوعات چاپ می شود آیا معیارهای یک نقد علمی را دارد؟ آیا اهل قلم ظرفیت و تحمل نقد آثارشان را دارند؟ وضعیت نقد کتاب در ایران چگونه است و چگونه باید باشد؟ یا ۸۳ بن از فرهنگ سازان، این مباحث را در میان گذاشته ایم که بخش ششم آن را در صفحه ۱۴ می خوانید

به مناسبت برگزاری نخستین جشنواره نقد کتاب در ایران

## کتاب، خادمان نشر و حامیان نسخ خطی

✓ **۸۳۱۸۳۰- کتاب و پدیدآورندگان**  
مراسم تجلیل از پدیدآورندگان کتاب‌های شنوایی سیست و یکمین دوره کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و مراسم تقدیر از خادمان نشر در سالن سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

✓ **یکشنبه ۸۳/۸/۱-**  
**کتاب، صنعت و کارگر**  
همایش کتاب، صنعت و کارگر ساعت ۱۰ سالن اجتماعات شرکت سایکو

✓ **دوشنبه ۸۳/۸/۲- کتاب و دانش آموز**  
- اولین جشنواره کتاب سال دانش آموزی ساعت ۹ در تالار فردوسی دانشکده ادبیات دانشگاه تهران  
- سینتار یورپی موله و راهکارهای فروش کتاب از طریق اینترنت ساعت ۱۵ در خانه کتاب  
- یازدهمین دوره کتاب سال دانشجویی ساعت ۱۰ در تالار شهید مطهری دانشگاه تربیت مدرس  
- آغاز فروش سال در جشن کتاب ساعت ۹ در مرکز آفرینشهای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

✓ **چهارشنبه ۸۳/۸/۴- کتاب، کتابدار**  
- چهارمین نشست مؤسزان فرهنگی استان‌ها ساعت ۹ در هتل اروم  
- سینتار یورپی تحولات ISBN و ISSN ساعت ۱۶ در دانشکده علوم دانشگاه تهران

## آموزش

✓ **پنجشنبه ۸۳/۸/۵- کتاب، خادمان نشر و حامیان نسخ خطی**  
- مراسم بزرگداشت یکمین دوره آئین بزرگداشت حامیان نسخ خطی ساعت ۱۴ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی

- کارگاه آموزشی نشر اینترنتی در استان فارس ساعت ۹ در اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان فارس

✓ **جمعه ۸۳/۸/۶- کتاب و رسانه**  
- مراسم تجلیل از خبرنگاران برتر حوزه کتاب، ساعت ۱۸، هتل بلوار  
- همایش تخصصی «پهروگیری از ابزارهای تبلیغی، ارتباطی و فناوری اطلاعات در حوزه توزیع و ترویج کتاب» ساعت ۹

✓ **شنبه ۸۳/۸/۷- کتاب ایران در جهان**  
- همایش تخصصی «توسعه نشر بین‌المللی ایران: تجربه‌ها، کاستی‌ها و نوآمندی‌ها»، ساعت ۱۴  
- مراسم تجلیل از کتابداران نمونه و خادمان فرهنگ مکتوب ساعت ۱۵:۳۰ در تالار وحدت

✓ **یکشنبه ۸۳/۸/۸- کتاب و ادب‌پایداری**  
- سومین جشنواره ۲ سالانه ادبیات پایداری ساعت ۱۸ در سالن معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
- کارگاه آموزشی ضرورت راه‌اندازی سایت توسط ناشران ساعت ۹ در خانه کتاب

✓ **دوشنبه ۸۳/۸/۹- کتاب و کودک و نوجوان**  
- معرفی بچه‌های کتابخوان مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سالن آملی تئاتر مرکز آفرینشها  
- نخستین جشنواره نقد کتاب، ساعت ۱۵ در خانه فرهنگ

## گام تازه؛ گسترش بانک اطلاعاتی کتاب



گسترش بانک اطلاعاتی کتاب موجب تقویت زبان فارسی در فضای مجازی می‌شود.  
احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جمع خبرنگاران با اشاره به افزایش عرضه فقره‌های اطلاعاتی کتاب گفت: حرکت تولید اطلاعات و اطلاع‌رسانی کتاب از ده سال پیش شروع و به مرور تقویت شد و امروز با امکان عرضه اطلاعات بیشتر در مورد کتاب، حرکتی بزرگ در تقویت زبان فارسی در فضای مجازی آغاز شده است.

مسجدجامعی با اشاره به پیشرفت در اطلاع‌رسانی حوزه کتاب از طریق بانک اطلاعاتی افزود: خوشبختانه الان به جایی رسیده‌ایم که اطلاعات مربوط به حوزه کتاب به طور کامل موجود است و با توجه به اینکه هر سال حدود ۲۰ هزار عنوان کتاب منتشر می‌شود، اطلاعات مربوط به آنها در دسترس است. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با اشاره به امکان ارائه متن اثر در بانک اطلاعاتی اضافه کرد: ما الان در مرحله‌ای هستیم که می‌توان متن اثر را هم ارائه کرد و با توجه به این امکان، ظرفیت بالایی از زبان فارسی قابلیت دسترسی پیدامی‌کند. وی عرضه متن اثر را یازدهمین پیش شرط‌های خواند و گفت: ارائه متن اثر در بانک اطلاعاتی از سویی نیازمند اعتبار بیشتر است و از سویی دیگر باید حقوق معنوی صاحب اثر و ناشر مورد توجه قرار گیرد. البته این نظام با ثبت اثر می‌تواند برای حفظ حقوق معنوی مؤثر باشد. اما چون امکان مراجعه مستقیم را فراهم می‌کند لازم است که چارچوب حقوقی آن مشخص شود.

ارائه اطلاعات مربوط به صفحات اولیه مسجدجامعی، کتاب را در معرفی آثار مؤثر خواند و افزود: عرضه کامل اطلاعات نیازمند آن است که حقوق معنوی صاحب اثر رعایت شود. وی در پایان اظهار امیدواری کرد که افزایش عرضه فقره‌های اطلاعاتی حوزه کتاب بنابر لزوم رابری حضور مؤثر در فضای مجازی و راهی برای گسترش فرهنگ هنر و ادب کشور در سطح جهان برای استفاده علاقه‌مندان فراهم کند. محمدعلی شماعی معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در این جلسه گفت: اطلاع‌رسانی کتاب در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نهادینه شده است و نظام اطلاع‌رسانی امر مؤثری در توسعه امر کتاب و کتابخوانی و نشر کتاب است.

شماعی با اشاره به پیشرفت اطلاع‌رسانی حوزه کتاب افزود: اگر غفله مطلوب اطلاع‌رسانی حوزه کتاب یک کتابخانه الکترونیک باشد، ما امروز یک گام به پرورد به کتابخانه الکترونیک نزدیک شده‌ایم که گام مؤثری است.

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه به تکمیل اطلاعات کتابشناختی و عرضه آنها از طریق پایگاه اینترنتی توضیح داد: مؤسسه خانه کتاب در مدت اخیر تلاش کرده تا در مجموعه پایگاه اطلاع‌رسانی کتاب، فهرست

## باشپورستان ما

### کاشان

باربد دانش‌آموزان ممتاز از کتابخانه‌های عمومی، معرفی دانش‌آموزان ممتاز به منظور عضویت افتخاری در کتابخانه‌های عمومی و برگزاری مسابقه کتاب و کتابخوانی از جمله برنامه‌های این استان در هفته کتاب است. در ضمن شب شعر کتاب و کتابخوانی با موضوع کتاب در کانون‌های تحت پوشش آموزش و پرورش و نیز همایش آموزشی کتابداری برگزار می‌شود.

### کرمان

افتتاح ۱۰ کتابخانه در چندمید کودک و ۱۰ کتابخانه خودگردان در ۱۰ مجتمع پرانگی در کرمان علاوه بر برپایی ۶ نمایشگاه کتاب در شهرهای کرمان، کهنوج، راور، انار، شهرابک و ویم از جمله برنامه‌های این استان در طول هفته کتاب است همچنین طرح تعویض ۵ هزار عنوان کتاب نو با کتاب‌های کهنه مردم و گشایش دو کتابخانه در بخش کوخندان و زینت نیز اجرا می‌شود.

### اصفهان

افتتاح دو کتابخانه در شهرستان‌ها که مجموعاً به سیمتد ششگه کامپیوتری هستند و املای ۱۰۰۰۰ جلد کتاب به مراکز فرهنگی در این استان صورت می‌گیرد اما طرح نمایشگاه کتاب و عضویت رایگان در کتابخانه‌های استان اجرا نمی‌شود.

و مقدمه‌های کتاب را نیز عرضه کند که این امر موجب می‌شود تا مخاطب از چارچوب اصلی و تقسیم‌بندی آگاه شود. وی افزود این امر در ادامه سیاست‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جهت توسعه اطلاع‌رسانی است که برای تولید محتوای بومی گام مؤثری محسوب می‌شود. در واقع از این طریق کتاب‌ها در اختیار همه علاقه‌مندان زبان فارسی در ایران و جهان قرار می‌گیرد و چون کتاب یکی از مهم‌ترین روش‌های تولید اطلاعات است بنابراین حجم اطلاعات بومی در فضای مجازی جهان به مقدار قابل توجهی بالا می‌رود. در ادامه و هروز نوروزیروز در توضیح گسترش بانک اطلاعاتی کتاب گفت: در سال‌های گذشته تلاش بر این بوده تا فقره‌های اطلاعاتی برای افزایش اطلاع‌رسانی به این بانک افزوده شود که از آن جمله می‌توان به حضور روی جلد، معرفی کتاب و تعیین موضوعات اشاره کرد اما در اقدام جدید، با در نظر گرفتن اهمیت صفحات اولیه کتاب برای علاقه‌مندان، صفحه‌خوان صفحه، شناسنامه و مقدمه‌ها نیز به بانک اطلاعاتی افزوده شد.

نوروزیروز افزود این طرح از یک سال پیش در خانه کتاب شروع شده و تاکنون بیش از ۱۰ هزار عنوان از صفحات اولیه کتاب‌های منتشر شده در سال ۱۳۸۳ به اطلاعات کتابشناختی اضافه شده است. وی با اشاره به تقویم این طرح به طور روزانه و جاری به کاربرهای این بخش از اطلاعات پرداخت و گفت: عرضه این اطلاعات، به علاقه‌مندان و مخاطبان در بازیابی اطلاعات و شناسایی بهتر کتاب‌ها کمک می‌کند. در واقع صفحات اولیه کتاب می‌تواند نقش بالایی داشته باشد تا تصویر کاملتری از کتاب را در برابر مخاطف ایجاد کند. نوروزیروز با اشاره به اهمیت عرضه الکترونیک کتاب یادآور شد: تمام عوامل در چرخه کتاب سعی می‌کنند تا حرکت به سمت محیط‌های مجازی بر مبرح ضرورت گیرد و خانه کتاب هم به عنوان تولیدکننده اطلاعات کتاب‌شناسی تلاش دارد در این حرکت نقش مثبت و مؤثری داشته باشد.



شماره ۲۰۹  
پنجم شنبه ۵ آذر ۱۳۸۳  
تاریخ





**کتاب، خادمان نشر و حامیان نسخ خطی**

**اولین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی ۱۳۷۹**
در سال ۱۳۷۹ و در ایام هفته کتاب، به ابتکار و همت کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برای نخستین بار در ایران، مراسمی تحت عنوان تجلیل از پاسداران میراث آزرشده نسخ خطی (اولین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی) در کتابخانه مجلس برگزار شد.

در این آیین بیست و سه نفر از حامیان نسخ خطی مورد تقدیر قرار گرفتند که از میان آنها می‌توان به عبدالحسین حساری، ایرج افشار، نجیب‌مایل هروی، علی رفیعی، علماوردوشی، جمشید کاکایرو، آشاره کرد.

**دومین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی ۱۳۸۰**
در سال ۱۳۸۰، در پی پیشنهاد ریاست محترم کتابخانه مجلس مبنی بر تجلیل سالانه از حامیان نسخ خطی، دیرخانه آیین بزرگداشت تشکیل شد. این دیرخانه با دغدغه فراخواران به وساطه‌ها از مؤسسات، مراکز فرهنگی، کتابخانه‌ها، محققان، ناشران و کلیه کسانی که در حوزه نسخ خطی و در محورهای مشخص شده آثاری را عرضه کرده یا به فعالیت متعلقه‌اند در خواست کرد آثار و افراد برگزیده خود را به این دیرخانه معرفی نمایند تا همزمان با ایام هفته کتاب و با برگزاری دومین آیین بزرگداشت، حامیان نسخ خطی، از برگزیدگان محورهای حفاظت و نگهداری نسخ خطی، فهرست‌نگاری نسخ خطی، مسائلی، مرمت، آسیب‌شناسی نسخ خطی، اهداف نسخ خطی به کتابخانه‌ها، تصحیح و تحقیق نسخ خطی، تحقیق در عرصه‌های مربوط به نسخ خطی (تسه‌شناسی نسخه‌پردازی، شیوه تصحیح و ترجمه نسخ خطی) و مجلات تخصصی در حوزه نسخ خطی، مقالات نقد و معرفی نون و نسخه‌شناسی، انتشار نسخ خطی تصحیح شده و پایان نامه‌های دانشجویی در زمینه تصحیح نون و نسخه‌شناسی تقدیر به عمل آمد. تلاش داوران بزرگداشت حامیان نسخه‌های خطی در سال ۱۳۸۰ این بود که تنها به آثاری رتبه برگزیده بدهند که بتوانند نقش الگو را



برای دیگر دست‌اندرکاران آن حوزه ایفا نمایند و کم نقص‌ترین و کامل‌ترین کارها در نوع خود باشند. بر این اساس در برخی محورها داوران، فرد یا اثری را به عنوان برگزیده یا حتی شایسته تقدیر انتخاب نکردند و یا همگی در برخی محورها دو اثر شایسته رتبه برگزیده، یا شایسته تقدیر شناخته شد.

در این دوره در محورهای فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی، تصحیح نون، پایان‌نامه‌ها، مجموعه رسالت، تألیف مقاله، مجلات تخصصی، ناشران، کتابداری نسخ خطی، مرمت آثار خطی و حفاظت و نگهداری آثار برگزیده و ۱۸ اثر شایسته تقدیر شدند.

در کنار برگزاری این مراسم از یکی از پیشگامان این عرصه، یعنی استاد عبدالحسین جزایری، دانشمند فزانه و کتاب‌شناس برجسته تجلیل شد که ضمن تجمیع مجموعه حدیث مشق ۱۶۱ کلام، مقالات، مصاحبه‌ها و تفه نظرات ایشان بود همراه با اختصاص یک شماره از نشریه داخلی کتابخانه مجلس (ایام بهارستان شماره ۸۷ به این مراسم، انجام پذیرفت. قابل ذکر است که برگزاری این مراسم در تجلیل از حامیان نسخ خطی با استقبال چشمگیر مسئولان آستان قدس، دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به نسخ خطی روبه‌رو شد.

**سومین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی ۱۳۸۱**
در سال ۱۳۸۱ نیز کتابخانه مجلس مقدمات برگزاری سومین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی را فراهم کرد و قرار شد که در محورهای تصحیح نون، مقالات، مجلات، ناشران، اعدا، حفاظت و نگهداری، کتابداری اطلاع‌رسانی (ترجم‌افزرها و خدمات کالیبرتری نسخ خطی و با تشکیل گروه‌های علمی، کار داوری و ارزیابی آثار با مشارکت بیشتر و بهتر متخصصان فن انجام شود تا نتیجه کار از صحت و دقت بیشتر برخوردار باشد. علاوه بر این در شورای عالی علمی، مدارج بحث و تبادل نظر قرار شد که در کنار برگزاری آیین بزرگداشت از محققان برجسته این حوزه

**بزرگداشت حامیان نسخ خطی**

## از نخستین آیین تا برگزیدگان امروز

تجلیل به عمل آید.

در این دوره در محور فهرست‌نگاری نسخ خطی هیچ اثری به عنوان برگزیده انتخاب نشد. اما سه نفر از فهرستگران، شایسته تقدیر شناخته شدند. در محور تصحیح نون نیز با ارزیابی ۱۰۰ عنوان کتاب که برای اولین بار در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ منتشر شده بودند ۱۰ اثر برگزیده یا شایسته تقدیر شناخته شدند.

در محور مقالات نیز یک مقاله برگزیده و ۴ مقاله شایسته تقدیر شناخته شدند و در محور کتابداری نسخ خطی با بررسی برستانه‌رسانی از سوی کتابخانه‌های کشور، سه نفر از کتابداران بخش خطی کتابخانه‌های زیر شایسته تقدیر شدند.

در این دوره در محور اهداف نسخ خطی گروه‌اهدای نسخ خطی با تقدیر از کلیه اهداف کتابخانه و فرورشدگان نسخ خطی به کتابخانه‌های داخل کشور ۸ مجموعه را شایسته تقدیر دانست.
در محور حفاظت و مرمت با بررسی فرم‌های ارزیابی تکمیل شده که در چهار محور آسیب‌شناسی حفاظت و نگهداری، مرمت آثار کافذی (کتاب خطی) و اسناد تاریخی، (بازسازی و مرمت جلدهای چرمی، ساخت جلدهای روغنی (لاکی) و مرمت آن تعیین شده بود، ضمن قدردانی از تلاش بی‌شائبه آسانیدیشکونت در این رشته چون مرحوم استاد حسین عقیقی، استاد جواد فرزان، مرحوم استاد حیرت‌ساز و اسناد بزرگ اسمری و دیگر اساتید این رشته ۴ نفر به عنوان نفرات برگزیده و شایسته تقدیر شناخته شدند.

در محور مجلات نیز هیأت داوران سنجاب حامیان نسخ خطی ضمن قدردانی از مجله پیام بهارستان به خاطر انتشار بیشترین سرفهانه، مقاله گزارش، مصاحبه، خبر و تصویر نسخه‌های خطی در ده شماره منتشر شده از آبان ۱۳۸۰الی شهریور ماه ۱۳۸۱ و مجله تخصصی نامه بهارستان، به جهت کیفیت ارائه مقالات، گزارش‌ها، خبر، تصویر نسخ خطی و ترجمه در یک شماره منتشر شده در فاصله زمانی فوق ۱ مجله را به عنوان مجله برتر انتخاب کرد و از یک مجله دیگر تقدیر به عمل آورد.

**چهارمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی ۱۳۸۲**

در این دوره در محور فهرست‌نگاری هیأت داوران پس از بررسی ۱۳ فهرست نسخ خطی یک فهرست را به عنوان اثر برگزیده انتخاب کرد.

در محور تصحیح نون علاوه بر فراخواران عمومی حدود ۵ عنوان کتاب منتشر شده از سوی ناشران به دیرخانه واصل شد و ۵ عنوان اثر دیگر توسط کتابخانه خردباری گردید.

از آثار واصله ۱۴ کتاب در سال گذشته مورد بررسی قرار گرفته بود، ۳ مورد تألیف و ترجمه و خارج از تعاریف تصحیح نون تشخیص داده شد و ۱۰ عنوان نیز چاپ مجدد بودند که مورد بررسی قرار نگرفتند.

در ارزیابی قیبه عنوانین ضمن پیش‌بینی فرم ارزیابی تکمیل تر و بررسی دقیق و تخصصی ۱۴ کتاب که یوزده عنوان کهن انتخاب شده بودند به مرحله نهایی راه پیدا کرد و از میان آنها دو کتاب شایسته تقدیر شناخته شدند.

در این دوره در محور مقالات ۲۰۰ مقاله اهم از نسخه‌شناسی، تصحیح نون، گزارش، نقد و معرفی و مصاحبه بررسی شد و از این میان ۳۰ مقاله به مرحله نهایی راه پیدا کرد که از میان آنها یک مقاله به عنوان مقاله برگزیده انتخاب شد. در محور ناشران نیز داوران از بین ۴۰ ناشر در مرحله اول ۱۱ ناشر را انتخاب نمودند اما در بررسی نهایی هیچ یک به عنوان برگزیده یا شایسته تقدیر انتخاب نشد.

در محور حفاظت و نگهداری در بررسی و ارزیابی فعالیت‌های افراد متخصص در زمینه آسیب‌شناسی، حفاظت و مرمت نسخ خطی و بازآورد از نحو فعالیت‌های مرمتی و حفاظتی در محل آثار شناخته‌شده ارزیابی داوران برای تعیین نگرش برگزیده و شایسته تقدیر در محورهای مرمت آثار کافذی، آسیب‌شناسی نسخ، بازسازی مصحفی و مرمت جلدهای چرمی، بازسازی، ساخت و مرمت جلدهای روغنی (لاکی) ۴ نفر برگزیده شدند و ۱ نفر شایسته تقدیر شناخته شدند.

در این سال در محور پایان‌نامه‌ها از پایان‌نامه‌رسانی به دیرخانه یک پایان‌نامه به عنوان پایان‌نامه برگزیده اعلام گردید.

در محور اعدا نیز ۴ مورد اهدای نسخ مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه آقای احمد شاهد به خاطر اهدای ۱۲۱ نسخه خطی به کتابخانه آستان قدس رضوی برگزیده شناخته شد.

هیأت داوران در محوره‌های کتابداری نسخ خطی، نشریات و اطلاع‌رسانی نسخ خطی تصمیم گرفت با توجه به محدودیت کسب آثار مورد بررسی، ارزیابی و داوری در این محورها هر دو سال یکبار انجام گیرد.



**پنجمین آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی پنجشنبه ۸۳۸۵**

در سال جاری (۱۳۸۳) هیأت داوران علاوه بر محورهای تعیین شده آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی در سال‌های پیشین در زمینه آثار رادیویی و تلویزیونی هم اقدام به بررسی و اعلام نظر نمود که نتایج حاصله به شرح ذیل اعلام شده است:

**۱. اسناد**
زنده یاد دکتر عبدالحسین نوابی به خاطر کتاب مهدی‌پار برگزیده اعلام شد.

**۲. تاریخ**
در محور تاریخ هیچ اثر برگزیده‌ای اعلام نشد. تنها کتاب تاریخ علم آری امیر به تصحیح اکبر نخستین، شایسته تقدیر شناخته شد.

**۳. فلسفه و حکمت**
در این محور نیز تنها کتاب اشراق هاکل اورد، به تصحیح علی اوجی شایسته تقدیر معرفی شد.

**۴. ادبیات فارسی**
کتاب اقلیات سبحان اطمعه» به تصحیح دکتر منصور سنگار شای در این محور تقدیر می‌شود.

**۵. پایان‌نامه‌ها**
در محور پایان‌نامه‌ها از عدل‌نگار علی جراتات به خاطر پایان‌نامه‌اش با عنوان فقه‌فیه التصفاغ فی ترجمه سلوان الصفاغ، تقدیر می‌شود.

**۶. فهرست‌نویسی**
در این محور اول فضل حافظیان بابلی، فهرست نویسی نسخه‌های خطی مرزه و کتابخانه آستان حضرت عبدالعظیم و نسخه‌های خطی مدرسه صادقیان ستان به عنوان فرد برگزیده معرفی شد.

**۷. مقالات**
مقاله «گوش‌ها و نون خطی» نوشته دکتر علی روانی که در مجله‌نامه‌نوحس به چاپ رسیده است در بخش مقالات ادبیات فارسی اثر برگزیده اعلام شد. همچنین در بخش تاریخ مقاله نقد چاپ جدید روشه‌الصفا نوشته محمد باقر توپخانه‌وند، در بخش فین مقاله میازمانده‌هایی از کتاب الزواهر و المواقفه نوشته محمد کاظم رحمتی در کتاب ماه دین و مقاله عقلمنه وحدت وجود در مقومس این عربی و منثوی، مولانا اثر سیدمحمدحسین دشتی در مجله معارف در بخش حکمت و فلسفه نیز شایسته تقدیر معرفی شدند.

**۸. آثار تلویزیونی**
در این بخش فیلم داستانی نسخه خطی به کارگردانی حسن فتوی اثر برگزیده معرفی شد. همچنین مجموعه‌های تلویزیونی شاهچه طوطی به کارگردانی مهدی علی احمدی و کتد و مکتب به کارگردانی رودنه مصدومی شایسته تقدیر شناخته شدند.

**۹. نشریات**
انتشارات طلایه، الجین آثار و مفاخر فرهنگی و بنیاد موقوفات افشار در این محور تقدیر می‌شوند.

**۱۰. نشریات**
مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکاه مشهد به سردبیری دکتر رضا ازانی‌زاد به عنوان اثر برگزیده و مجله کیهان فرهنگی به سردبیری محمدعلی معنی به عنوان اثر شایسته تقدیر معرفی شد.

**۱۱. اعدا**
در این محور میرزا محمدکاظمینی به عنوان فرد برگزیده اعلام شد.

**۱۲. کتابدار نسخ خطی**

برسیا کرم‌شمی، کتابدار کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به عنوان فرد برگزیده معرفی شد و اکرم مسعودی، کتابدار کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی شایسته تقدیر شناخته شد.

**۱۳. مرمت**
در بخش آسیب‌شناسی، سیدقیه روسی هدیه، در بخش مرمت جلد نسخ خطی مهدی عقیقی و در بخش مرمت آثار کافذی سیداحمد قائم‌معلومی به عنوان افراد برگزیده معرفی شدند. همچنین پدالاه ریاط جوی در بخش مرمت نسخ خطی شایسته تقدیر اعلام شد.

**۱۴. اطلاع‌رسانی**
در محور اطلاع‌رسانی از همکاران اسلامی تقدیر می‌شود.

در بخش آیین بزرگداشت حامیان نسخ خطی در محور فین‌پژوهی و تاریخ علیم هیچ اثر برگزیده یا شایسته تقدیر معرفی نشد.

## هر نسخه به عنوان یک کتاب

گفت و گو با حجت‌الاسلام محمدعلی احمدی ابهری: رئیس کتابخانه مجلس شورای اسلامی



در چند سال اخیر مسؤولان پیش از پیش به لزوم حفظ و نگهداری نسخ خطی توجه نشان می‌دهند و حرکت‌هایی چون آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی در این راستا آغاز شده است. چه‌سپس آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی امروز روز کتاب، خادمان نشو و حایمان نسخ خطی برگزار می‌شود. متولی این روز و این مراسم کتابخانه مجلس شورای اسلامی است. از آنجایی که این کتابخانه، بخش مهمی از نسخ خطی کشور را در اختیار دارد برنامه‌های این مرکز در جهت حفظ نسخ خطی باید گسترده، مداوم و مؤثر باشد. در همین رابطه با حجت‌الاسلام محمدعلی احمدی ابهری رئیس کتابخانه مجلس گفت‌وگویی کردیم.

**طرح اولیه آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی از کجا آغاز شد؟**  
پیش از آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی بود کشور حرکت‌هایی در جهت بزرگداشت اهل علم و تالیف آغاز شده بود ولی در این میان به نسخ خطی توجه کافی نمی‌شد. کتابخانه مجلس که یکی از غنی‌ترین گنجینه‌های نسخ خطی است و در سطح دنیا به عنوان مجموعه‌ای ارزشمند شناخته شده احساس مسؤولیت و وظیفه کرد و در همین راستا اولین آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی را در سال ۹۸ برگزار کرد.

در سال بعد در سطح کشور برگزار شد. هم‌اکنون نیز پیشنهاداتی برای برگزاری آن در سطح بین‌المللی داریم ولی به اعتقاد خودمان هنوز به شرایط لازم برای جهانی شدن دست نیافته‌ایم. برگزاری آیین بزرگداشت چه ضروری دارد؟ در واقع اهداف شما از برپایی این حایش چیست؟

با برگزاری آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی فرهنگ‌سازی در جامعه انجام می‌شود. به این صورت که موضوع نسخ خطی مطرح و ذهن ما به این سمت معطوف می‌شود که نسخ خطی به عنوان اسناد پشتری ایرانیان در همه‌ی علم و تاریخ بشری هستند. متفکران و افراد مستعد هم حفاظت، تصحیح، احیا و... نسخه خطی را به عنوان گزینه تلاش‌های علمی خود انتخاب می‌کنند. در واقع مطرح کردن آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی تنها برای بزرگداشت آن کتابی است که در این زمینه کار می‌کنند نیست بلکه فرهنگ‌سازی برای عموم، تعامل با نسخه خطی انجام می‌شود. ما از طریق بزرگداشت حایمان نسخ خطی می‌خواهیم پژوهش‌های ارزشمند و جوان‌های مستعد را جذب کنیم و امیدواریم آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی در هر ۲ زمینه یعنی جذب نوجوان و پسرینه هر چه بیشتر نسخ خطی موفق باشد.

مجموعه‌های درون خانواده‌ها مطرح می‌شود. نسخ خطی در خانواده‌ها به جای یک منبع علمی و تحقیقی به صورت شرف می‌رود. نگه داشتن و محافطت‌های لازم از آنها انجام نمی‌شود و جایی که نسخ خطی می‌تواند روشن‌کننده مسائل درخشان ایرانی و یک منبع اطلاع‌رسانی باشد. در نتیجه نسخ خطی باید به عنوان یک کتاب توسط محققان مورد ارزیابی قرار بگیرد. ما هم می‌خواهیم به جامعه‌گویی و آموزش دهم که این نسخ نیاز به حفاظت، نگهداری و برمت دارند تا به نسل‌های بعد هم برسد.

ما می‌خواهیم به جوانان آموزش دهم چرا فرهنگ و تمدنی با ریشه‌های عمیق چند صدساله دارند و دوره‌های درخشان از تاریخ بشری را به خود اختصاص داده‌اند. باید بتوانید در مقابل فرهنگ‌های

واریانی مقاومت کنید.  
**با توجه به اینکه چهار دوره برگزار کرده‌ و در جریان برگزاری دوره پنجم هستید. چقدر در دستیابی اهدافتان موفق بوده‌اید؟**  
بسیار نسخ خطی مجادلیان محفوظی دارد و ما در جامعه افراد کمی داریم که بر طبق علائق شخصی با نسخ خطی ارتباط برقرار کنند. در نتیجه ما امیدواریم زیادی نداشتیم و برای کار مداوم پیش از تک‌سکال با برنامه‌ریزی کردیم تا این برای نسل‌های بعدی پایه‌گذاری شود و در حدی که انتظار داشته‌ایم موفق بوده‌ایم.

در طول این مدت ما شاهد مشکلات محققان برای دستیابی به نسخ خطی بوده‌ایم یعنی در صحبت با هر محقق گزایه از کتابخانه‌ها و مراکز بود که نسخ خطی را در اختیارشان نمی‌گذاشتند. اکنون بعد از ۵ سال که از برگزاری این برنامه می‌گذرد ما تصور امیدوارکننده‌ای رویه‌ور شده‌ایم. در سال حاضر برنامه‌ای برای تسهیل دستیابی به نسخ خطی تنظیم شد که محققان هم از آن راضی هستند. استفاده کتابخانه‌ها از تجهیزات مدرن مانند تبدیل دیجیتال و میکروفیلم و CD جهت کار اطلاع‌رسانی و از جهت دیگر حفاظت از نسخ خطی را آسانتر کرده است.  
در طی این چند دوره برگزاری آیین بزرگداشت حایمان نسخ

خطی، به چه نکات جدیدی رسیدید؟ چه برنامه‌هایی را حذف و چه برنامه‌هایی را اضافه کردید؟  
ما در زمین محروم‌های آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی دیدگاهی پیدا داریم و به دنبال حرکت‌هایی جدید هستیم. در اولین سال برگزاری آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی ۱۲ محور استاد، تاریخ، دین‌پژوهی، فلسفه و حکمت، تاریخ علم، ادبیات فارسی، رسالت، بیان‌نامه‌ها و فهرست‌نویسی داشتیم که هنوز هم داریم و محروم‌های رانید و نظریه‌یونی و بایگام‌های اینترنتی در این سال‌ها اضافه شده است. در هر سال در هر محوری اگر کار خاص و مهمی انجام نشده باشد، برگزیده اعلام نمی‌کنیم تا لنگر قرار بگیرد. حیات‌دوران آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی از چه کسانی تشکیل شده است؟

حیات‌دوران از کارکنان کتابخانه مجلس هستند و از نیروهای بیرون و می‌زرف که افرادی متخصص و مطلع هم هستند. برای دآوری دعوت می‌شود. این افراد دستشان در دآوری باز است و هر تصمیمی بگیرد ما به آن اجرام می‌گذاریم.  
**یک دهم متن‌پژوهی میراث مکتوب و هفت دهم متن‌پژوهی دانشگاه تهران بخش‌هایی هستند که در این دوره اضافه شده‌اند، درباره این بخش‌ها لطفاً توضیح دهید؟**

تا سال گذشته آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی را کتابخانه مجلس برگزار می‌کرد ولی ما در کتابخانه مجلس از همه مشارکت‌ها و همکاری‌ها استقبال می‌کنیم. قبلاً نیز کارهای تحقیقی و تصحیحی مشترکی با چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انجمن حکمت و فلسفه و مرکز نشر میراث مکتوب انجام داده‌ایم که همکاری‌های خوبی بود.

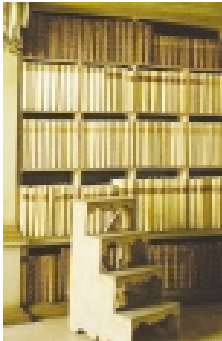
اساساً اولین بار در برگزاری حایمان نسخ خطی با مرکز نشر میراث مکتوب همکاری می‌کنیم.  
آزوبی ما این است که آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی فرصتی برای همکاری مراکز که در این زمینه فعالیت می‌کنند، فراهم کند تا از نظر کیفی کار ارزشمندتری ارائه دهیم.

اساساً یک نمایشگاه جنبی هم برگزار می‌کنیم که مسیر تحولات صحیح متون در کشور است. از قدیمی‌ترین کارهای تصحیح متون تا کارهای اخیر را در این نمایشگاه عرضه می‌کنیم که مرکز نشر میراث مکتوب و انتشارات دانشگاه تهران در این عرصه جایگاه ویژه‌ای دارند.

**حیات‌دوران اسامی چه معیارهایی کار داری را انجام می‌دهند، این معیارها توسط شما یا حیات‌دوران تعیین شده است؟**  
برای هر محور یک گروه داریم که دبیر آن گروه از کارکنان کتابخانه مجلس است و پیگیری کارهای اجرایی را انجام می‌دهد. این فرد از امکانات کتابخانه مجلس برای برآوردن خواسته‌های گروه مثل تکثیر، نایب، ارسال و... استفاده می‌کند.

از سال اول با همکاری کتابخانه مجلس فرم‌هایی برای داری تنظیم شد ولی تاکنون این فرم‌ها تغییراتی پیدا کرده و تخصصی‌تر شده است.

**انتخاب زنده‌باد دکتر آصف‌مهدری برای بخش ویژه مراسم اسامی**



**بر چه اساسی بوده است؟**  
مرحوم دکتر آصف‌مهدری و خاندانش خدمات بزرگی در جهت حفظ منابع فرهنگی کشور، جمع‌آوری نسخ خطی و انتقال آنها به کتابخانه‌ها انجام دادند. همچنین در حفظ اسناد سیاسی نقش فوق‌العاده‌ای داشتند. در کل به عنوان یک حامی برجسته نسخ خطی شناخته می‌شوند.

در بخش ویژه بحث داری و ترجیح کنی بر دیگری مطرح نیست بلکه ما به دنبال یک مفهوم مجرد تبدیل از خدمات ارزشمند یک حامی برجسته هستیم.  
**هزینه‌های مداوم و مراسم آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی توسط چه نهادی تأمین می‌شود؟**

هزینه جوایز برگزیدگان تاکنون از سوی روسای مجلس پرداخت شده است. آقای مسجدجامعی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز هر سال مبلغی را به عنوان کمک به برگزاری آیین بزرگداشت حایمان نسخ خطی به کتابخانه مجلس داده‌اند. سایر هزینه‌ها نیز از بودجه کتابخانه مجلس است. اسامی هم بخشی از هزینه‌ها از سوی مرکز نشر میراث مکتوب تأمین می‌شود.  
**و در پایان، به منظور حفظ واحیای نسخ خطی چه طرح‌هایی را پیشنهاد می‌کنید؟**

ما اسامی‌ها گذشته طرحی برای شناسایی نسخ خطی و تبدیل آنها به میکروفیلم داشتیم که تا امروز انجام هم پیش رفتیم ولی مناسبه امکاناتش در اختیار ما قرار نگرفت. در این طرح می‌خواستیم به اسامی‌ها متخصصانی بفرستیم که از نسخ خطی میکروفیلم تهیه کنند و بانک میکروفیلم در کشور ایجاد کنیم. برای حفاظت از نسخ خطی باید عوارضی را که به حال این نسخ را حفظ کرده، قویت کنیم.

نسخ خطی ما از مردم و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی، خانواده‌های طرفدار علم، فرهنگ و ادب تاکنون و طی ۶۰۰ و ۷۰۰ سال حفظ شده‌اند. باید یاد کنیم جمع‌آوری نسخ خطی در کتابخانه‌ها با ششم، تجربه نشان داده اگر میراث فرهنگی در یک جمع شوند حوادثی چون زلزله و جنگ می‌تواند همه آنها را به یک باره از بین ببرد. دولت هم باید به جای طرح‌ها و لایحه‌هایی که می‌تواند خطرناک باشد، اختیاری ایجاد کند تا افراد نسخ خطی خود را از کشور خارج نکنند.

ما می‌توانیم این نسخ را برای خانواده‌ها آسیب‌ناپذیر، مرمت، ضد عفونی و کنیم که در نتیجه حایمان نسخ خطی استفاده می‌کنند و مطمئن می‌شوند که دولت برای داری‌های آنها قلمه نگشاید است.  
هسته اصلی کتابخانه مجلس و مجموعه‌های بزرگ ما با اهدافی‌های خانواده‌ها شکل گرفته است، پس ما می‌توانیم به‌طور طبیعی این روند را ادامه دهیم به‌شرط آنکه اعتماد سوزی کنیم و دائم حرف از مصادر زنییم.

مطلب دیگر اینکه در کتاب‌های درسی مدارس باید راجع به نسخ خطی به جوانان آموزش داده شود.  
ما طرحی با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ترویج پرورش‌دهنده نسخ خطی در مدارس داشتیم که به نتیجه نرسید. دانش‌آموزان که آموزش می‌بینند می‌توانند سفرهایی در دوزن خانواده‌ها باشند و مسائل حفاظت و نگهداری نسخ خطی را در خانوادگی‌ها تقویت کنند.

چقدر خوب است که در ایام هفته کتاب در مدارس نمایشگاه کتاب تشکیل دهیم و دانش‌آموزان آموزش دهیم نسخ خطی چیست.

استفاده  
کتابخانه‌ها از  
تجربیات مدرن  
مانند تبدیل  
نسخ به  
میکروفیلم و  
CD از جیتی کار  
اطلاع‌رسانی و  
از جیتی دیگر  
حفاظت از نسخ  
خطی را آسانتر  
کرده است



**کتاب: خادمان شeroو حامیان نسخ خطی**



**یادداشت**

## مُهرهایی از جنس عشق

نسخه‌های خطّی همیشه توانسته‌اند مورد توجه پژوهشگران بخش‌های مختلف باشند. این آثار ارزشی که تنها به حوزّه کتاب‌نسخ محدود نشده، چه در رابطه با مضامین و موضوعات، و چه در زمینهٔ شکل قابل استناد هستند، نگاه‌های تصویری به بخش‌های موجود این اسناد، از خوب‌نویسی، نگارگری، تذهیب، ترکیب‌بندی‌های هنرمندانه تا علائم و نشانه‌ها و مهرها می‌تواند چندین بار مورد بازشی و تحلیل قرار گیرند.

مهرهایی از جنس عشق نام کتاب است که به تازگی و برای اولین بار بخشی از مهرهای یک دوره تاریخی (قاجاریه) از لایه لای اسناد بیرون کشیده و به دست‌بندی و تحلیل آنها پرداخته است. این کتاب که شامل مجموعه‌ای حدود ۲۰۰ مهر دوره قاجاریه است به گوشه‌اش محسن احتشامی

دست‌بندی و با شرح مختصری در هر بخش ارائه شده است. این کتاب با مهدی افشار به انگلیسی ترجمه کرده و توسط نشر خورشید منتشر شده است. نویسنده در پیشگفتار کتاب از اولین پژوهش‌هایش با نسخ خطّی دست‌نوشته‌ها، قطعات‌ها و اسناد و مدارک کاتب شده می‌گوید و یادکردی از مهرهای آن این دیار آنان را زاهدان‌تری گنشم و مستغرق‌الی در سینه می‌راند که بر مهرها حفظ می‌نوشته و نقش خیالی می‌زند و بر پرتابه خود مهربان.

این کتاب به سه بخش تقسیم شده است. بخش اول گذری و نظری است که به جای مقدمه آمده و به دلیل پرداختن به تعریف‌های علام و نشانه‌ها و موضوع نشانه‌شناسی در گرافیک، خوددنبیل به بخش جداگانه‌ای شده است.

بخش دوم مهرهای طراحی شده با حروف، از میانه تا

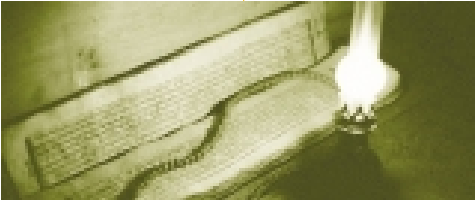
مرکز نشر میراث مکتوب قصد دارد با انتشار آثار و متون کهن، میراث مکتوب به جای مانده کشور را دوباره احیا و معرفی کند. این مرکز در جهت این هدف خود، از مدتی پیش طرح و عملیاتی را برای شناسایی و انتشار آثار فارسی‌ناشناخته در شبه قاره هند و پاکستان و ماوراءالنهر آغاز کرده است. به این‌عنوان با اکبر ایرانی‌خواه، مدیر نشر میراث مکتوب گفت‌وگو کرده‌ایم.

**زبان فارسی در شبه قاره هند چه سابقه‌ای دارد و چه آثاری به این زبان در آنجا نوشته شده است؟**

در شبه قاره هند و پاکستان و حوزّه ماوراءالنهر از هزار سال پیش زبان فارسی رواج گسترده‌ای داشته و ایران بزرگ ارتباط فرهنگی و تشکیلاتی با این کشورها داشته است. وقتی تاریخچه زبان فارسی را در این کشورها بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که از قرن پنجم به بعد زبان فارسی در شبه قاره رواج یافته به طوری که می‌توان گفت کشف‌المجوب مجبوری که یکی از قدیمی‌ترین متون فارسی‌مست در شبه قاره هند تألیف شده و این نشانگر قدمت این زبان در آن مناطق است. روابط تجاری و فرهنگی که بین ایران و هند بوده، می‌تواند دلیل عمده گسترش زبان فارسی در هند باشد. همچنین تذکرةهای بسیاری که در شبه قاره هند - بیشتر از عصر اکریت‌ها به بعد - تألیف شده است، نشانگر حضور شاهران و نویسنده‌گان فارسی‌زبان در شبه قاره هند است.

مرکز نشر میراث مکتوب تذکرةالمحرمین جزین لاجپتی را چاپ کرده و منتشر برحق. از تذکرةهای دیگر را در برنامه‌های آن خود دارد. به جز شبه قاره هند و پاکستان، ماوراءالنهر هم حوزه‌های است که زبان فارسی در آنجا رواج داشته و به طور قطع آثاری هم در آنجا به زبان فارسی نوشته شده است. در این حوزه چه تعداد و چه نوع آثار فارسی به جای مانده است؟

در ایران بزرگ دوره ساسانیان که بلخ و بخارا و سمرقند و مرو و آسیای مرکزی را شامل می‌شود، زبان فارسی، زبان اول مردم بوده و آثار فارسی به جای مانده دست نخورده و منتشر شده در آن مناطق حتی از شبه قاره هند و پاکستان هم بیشتر است که مرکز نشر میراث مکتوب از ابتدای فعالیت خود، توجه خاصی به آثار فارسی ماوراءالنهر داشته است. این مرکز تاکنون تذکرةهای را از جمله تذکرة مطری سمرقندی



و تذکرة ملجای سمرقندی و آثار فارسی دیگری مانند تاریخ رشیدی منتشر کرده است.

**مروافه مکتوب برای دسترسی و شناسایی آثار فارسی حوزه ماوراءالنهر و انتشار آنها چه برنامه‌هایی دارد و شناسایی این آثار چگونه انجام می‌شود؟**

برای دست‌یافتن، به منابع تاریخی و ادبی فارسی در ماوراءالنهر، ارتباط علمی و فرهنگی با مؤسسات فرهنگی کشورهای ازبکستان و تاجیکستان برقرار کردیم. تا از این طریق آثار به جای مانده و دست‌نوشته‌های کهن فارسی ازبندند به طور مشترک با همکاری محققان فارسی‌زبان مراکز علمی آن کشورها منتشر شود. طرحی را هم برای شناسایی آثار فارسی نوشته شده در عصر عثمانی در دست مطالعه داریم؛ به دلیل روابط تاریخی بین ایران و عثمانی در عصر قبل از صفویه و تقویتی که عثمانی‌ها در غرب ایران داشتند. آثار فارسی بسیاری نوشته شده و کتابخانه‌های ترکیه سملواژ کتاب‌های خطّی فارسی ازبندشده است که باید آنها را فهرست کرد. دانشگاه آنکارا به تنهایی ۱۸ هزار نسخه خطّی فارسی فهرست نشده دارد که میراث مکتوب برای همکاری در فهرست‌نویسی و انتشار فهرست‌های آثار چاپ نشده، اعلام آمادگی کرده است. همچنین کتابخانه سلیمانیه که کتاب‌های خطّی بسیاری دارد و مرکز بسیاری از نسخه‌های خطّی این کتابخانه را به صورت لوح فشرده منتشر کرده است؛ در هر حال ارتباط ما با مراکز علمی ترکیه رو به گسترش است.

**تسا علاوه بر انتشار آثار فارسی ماوراءالنهر، طرحی را هم برای**

مجید فروغی

## کوتاه و نو

**گفت‌وگو با اکبر ایرانی: مدیر نشر میراث مکتوب**

## احیای میراث فارسی شبه‌قاره



**انتشار آثار فارسی شبه قاره هند در دست انجام دارید. این طرح در چه مرحله‌ای است و چگونه انجام می‌شود؟**

طرح احیای میراث فارسی شبه قاره هند بیشتر مورد توجه میراث مکتوب بود. بعد از کاری که روی آثار فارسی ماوراءالنهر انجام شد، طرح احیای نسخه‌های خطّی شبه قاره هند در دستور کار قرار گرفت. اساساً با دکتر عارف نوباهی، استاد دانشگاه لاهور و از محققان مرکز تحقیقات فارسی ایران در پاکستان وارد شدیم تا به معرفی نوشته‌های به عنوان دبیر مجموعه آثار بوزندند. فارسی را به ما معرفی کند. این آثار در کتیبه علمی در تهران مورد بررسی قرار می‌گیرد و فهرست آثاری که معرفی می‌شود در پنج بخش ابیات، فلسفه، علوم و فنون، آثار ترجمه از سانسکریت به فارسی و آثاری که باید به صورت تصویری چاپ شود، است. بعد از دریافت فهرست‌های پیشنهادی، آنها مورد بررسی قرار می‌گیرند و دوباره تصحیح و چاپ آثاری که تصویب شده، تصویب می‌گردد. هم‌زمان، تصحیح و چاپ عمده این آثار با همکاری محققان ایرانی‌مدنی و پاکستانی صورت می‌گیرد.

کار ویراستاری این مجموعه به زیر نظر کتیبه علمی میراث مکتوب انجام می‌شود و در یک شکل ویژه با طراحی خاص، طرح احیای میراث شبه قاره هند در پاکستان به منظور آشناسان محققان و مراکز علمی ایرانی با منابع فارسی معتبر آن حوزه، منتشر خواهد شد.

**با توجه به اینکه آثار فارسی شبه قاره هند و پاکستان بسیار است، شاید برای تصحیح و انتشار، چه آثاری را در اولویت قرار می‌دیدید و چه ملاک‌هایی را در نظر دارید؟**

این مرکز خود را مسئولی حمایت از آثاری می‌داند که در آن حوزه مورد توجه محققان قرار گرفته است. هدایت و حمایت آثار علمی که در مراکز علمی آنجا انجام شده و مطالعاتی که دربارۀ متون صورت گرفته مورد توجه این مرکز است. طبیعی است که با این کار می‌توانیم ارتباط خود را با مؤسسات علمی کشورهای مربوط بیشتر کنیم و با این ارتباط می‌توان به ترویج زبان فارسی و علم در ایران اهتمام بیشتری ورزید. انتظار ما از مراکز سوول و سازمان‌های متولی حمایت از این طرح این است که طرح به طور شایسته انجام شود. ما برای گزینش آثار، صحت تصحیح و انتشار، معیارهای محلی، علمی و هنری را مدنظر داریم و قرآن‌است آثار ازبندند. فارسی که ارزش زبانی و ادبی دارند، گزینش شوند. درباره آثار تاریخی هم، آثاری که گوشه‌ای از تاریخ ایران را روشن می‌کنند، ما در ایران نشناخته نشده‌اند، تصحیح و منتشر می‌شوند. به عنوان مثال تاریخ روزنامه غزوات نبیره به نام سعادت‌نامه که توسط استاد ایرج افشار با همکاری ریاض الاسلام تصحیح شده بود، توسط میراث مکتوب منتشر شد.

**آیا فهرست‌هایی که از طرف دیگر نوباهی ارسال می‌شود، فقط مربوط به آثار فارسی پاکستان است یا آثار فارسی هند را هم در بر می‌گیرد؟**
دکتر نوباهی به عنوان دبیر این مجموعه، فهرستی از آثار ازبندند فارسی موجود در کتابخانه‌ها و دانشگاه‌های پاکستان را معرفی خواهد کرد اما این آثار فارسی ازبندند در هند، آثار آثاری انتخاب می‌کند. البته ما قصد داریم کتیبه‌های ابا محمدا دانشگاه دهلی یا هر مؤسسه و دانشگاهی که اعلام آمادگی کند در هند تشکیل دعیم برای انتشار آثار فارسی هندوستان یا ما همکاری کند. البته دکتر عارف نوباهی فهرستی از آثار چاپی و فارسی در شبه قاره هند و پاکستان تألیف کرده که بیش از ۲۰ هزار عنوان کتاب در آن معرفی کرده است که حدود ۱۵ هزار عنوان آنها از متون چاپی در این حوزه است.

تا این برین می‌توان گفت، متون چاپی، نشانه‌ها، حدیث از آن است که تاکنون در آن‌ها بعضی کشورهای غربی چاپ شده است. میراث مکتوب هم تا پایان سال فهرست آثار چاپی شبه قاره هند و پاکستان را در سه مجلد هزار صفحه‌ای منتشر خواهد کرد و این گام نخستین برای آشناسان محققان، معجمیان، نویسندگان و کتابشاسان آثاری است که در این حوزه انتشار یافته‌اند.

کتابخانه‌های دیجیتال  
**شماره ۶**  
**شماره ۶**  
**پنجمین شماره آثار ۶**  
**تجدید**

## لوح های شیشه ای

نسخ خطی یکی از مهم‌ترین گنجینه‌هایی هستند که از گذشته‌های دور به جای مانده‌اند و محققان و دانش‌پژوهان همواره از این منابع برای انجام پژوهش‌های خود استفاده می‌کنند.

با توجه به اینکه این آثار متعلق به سال‌های گذشته هستند و به علت شرایط ناسامد نگهداری بسیار آسیب‌پذیرند که معمولاً برای حفظ و نگهداری نسخ خطی از آنها میکروفیلم تهیه می‌شود. برای تهیه میکروفیلم از تک‌تک صفحات یک نسخه خطی کسب تهیه می‌شود. این عکس‌ها را روی فیلم‌های فیورمانندی به دنبال هم قرار می‌دهند. محقق برای استفاده، فیلم را در دستگاه مخصوص قرار می‌دهد. نسخه را مطالعه می‌کند. اما امروزه همین میکروفیلم‌ها یا نسخ خطی را به لوح‌های فشرده تبدیل می‌کنند که قابل استفاده در سیستم‌های کامپیوتری باشند (با به عبارتی این نسخه‌ها را الکترونیکی می‌کنند) در تمام دنیا تلاش‌هایی برای این کار انجام شده و بسیاری از کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی نسخه‌های خطی را الکترونیکی کرده و حتی به صورت onlin در وب‌سایت‌های خود در اختیار کاربران قرار می‌دهند.

در ایران نیز با توجه به سابقهٔ فرهنگی و تاریخی تعداد زیادی نسخه خطی از دوران گذشته به جای مانده که بخشی از آنها در کتابخانه‌های بزرگ و مرجع نگهداری می‌شوند. اما در این کتابخانه‌ها به تلاشی برای الکترونیکی کردن نسخه‌های خطی انجام شده است؟ استفاده از میکروفیلم و گونه‌های الکترونیکی چه مزایا و معایبی دارند؟ در چه شرایطی نگهداری می‌شوند و شرایط استاندارد برای نگهداری از آنها چیست؟ آیا این استانداردها در کشور ما رعایت می‌شوند؟

در این راستا نظرات تعدادی از مسؤولان و کارشناسان کتابخانه‌های مجلس، ملی و دانشگاه تهران را دربارهٔ نسخ خطی موجود در کتابخانه‌ها، تلاش‌های آنها برای الکترونیکی کردن آنها و… جویا شدیم که

در قلم می‌خوانید.

##### کتابخانه ملی

علی‌مبی، مسؤول بخش نسخ خطی، تلاش برای الکترونیکی کردن نسخ خطی از سال گذشته به طور جدی در این کتابخانه آغاز شده. همچنین آژاری که به صورت میکروفیلم موجود نیستند مستقیماً اسکن شده و سپس از آنها CD تهیه می‌شود زیرا به دلیل دسترسی آسان اکثر محققان به سیستم‌های کامپیوتری استفاده و بهره‌مندی از نسخ خطی در قالب CD بسیار ساده خواهد بود، در ضمن دوام، عدم فرسودگی و حجم کمتر آثار مذکور از دیگر نکات مثبت الکترونیکی کردن است و چنانچه حواشی و پا کلماتی در متون نسخ خطی ناخوانا باشند که معمولاً هم اهمیت ویژه‌ای دارند به وسیله بزرگنمایی توضیحات از طریق برنامه‌های کامپیوتری این مشکل نیز برطرف خواهد شد.

مرتیضی هاشورپور، مسؤول روابط عمومی، ۲۵ هزار نسخه خطی در کتابخانه ملی موجود است که با توجه به وضعیت انتقال کتابخانه به محل جدید در مورد الکترونیکی کردن آنها تلاش‌های مختصری انجام شده است.

##### کتابخانه دانشگاه تهران

کارشناس بخش سمنع، بصری کتابخانه، حدود ۲۰ سال است که الکترونیکی کردن نسخ خطی به طور رسمی در دانشگاه تهران آغاز شده که فرآیند این تبدیل به شرح زیر است؛ به وسیله دوربین‌های ویژه‌ای با فیلم‌های ۳۵ میلی‌متری از آثار خطی شامل میکروفیلم‌ها و متون عادی فیلمبرداری می‌شود و سپس از مرحله اسکن، کل اطلاعات یک نسخه به هارد سیستم کامپیوتری انتقال می‌یابد و در

نهایت هم انتقال اطلاعات ذخیره شده در رایانه CD صورت می‌گیرد. اما برخی از مراجعه‌کنندگان خواهان دریافت پرینت از نسخه خطی هستند و تمایلی به اخذ اثر در قالب CD را ندارند. از آنجایی که این آثار (نسخ خطی) تحت تأثیر شرایط گوناگون از جمله وضعیت آب و هوایی، حرارت طبیعی (آتش سوزی) و… قرار می‌گیرند لیکن به وسیله حفظ این آثار روی لوح‌های فشرده احتمال سلبتی و انتقال آنها به نسل‌های آینده بیشتر خواهد بود. بدین ترتیب اقدام به الکترونیکی کردن نسخ خطی منافع متعددی را برای محققان به ارمغان می‌آورد و بهره‌مندی از آثار ارزشمند را سهولت می‌بخشد.

تقی زاده، مسؤول بخش نسخ خطی، ۱۷ هزار نسخه خطی در این بخش موجود است و مدت کوتاهی است که تلاش‌هایی برای الکترونیکی کردن آنها صورت گرفته است چرا که اولویت با اسناد و نشریات است و سپس نسخ خطی.

##### کتابخانه و مرکز اسناد مجلس

گوروش نوروز مرادی، مسؤول بخش نشریات مجلس، به نظر من مهم این نیست که ما چه مقدار از منابع موجود را الکترونیکی کرده‌ایم، مهم این است که ما آنها را چگونه نگهداری می‌کنیم تا عمر طبیعی داشته باشند. چگونه به افزایش کیفی از آنها می‌پردازیم؟ چه خدماتی ارائه می‌دهیم؟ در ایران هم هنوز حجم زیادی از اطلاعات سازماندهی نشده چه پرسد به الکترونیکی شدن. البته کشورهای جهان سوم به مراتب از ایران عقب‌ترند اما هند، چین، کره، ژاپن و کشورهای آسیایی و آمریکایی قدم‌های خوبی برداشته‌اند. اما با این حال هر کدام از حالت‌های الکترونیکی یا میکروفیلم‌ها مزایا و معایبی دارند. مثلاً میکروفیلم نسبت به منابع اسکن شده و CD هم عمر طولانی‌تری دارند و یا در



CD احتمال دخیل و تصرف وجود دارد اما در میکروفیلم این اتفاق نمی‌افتد و گفته شده که تا ۵۰۰ سال هم عمر می‌کند. بزرگترین مزیت CD امکان جست‌وجوی مناسب و تهیه پرینت است که در میکروفیلم‌ها میسر نیست در ضمن Lca multuser هستند. یعنی در یک لحظه از یک CD چند نفر می‌تواند استفاده کنند ولی از یک میکروفیلم فقط یک نفر استفاده می‌کند آن هم به وسیله دستگاه میکروفیلم خوان که گران است و به چشم و گردن نیز آسیب می‌رساند در نتیجه گم‌گمان شکل چاپی کتاب بهترین نوع منابع اطلاعاتی است.

محمدحسن خلیلی، مسؤول واحد فیلم‌ویک کتابخانه مجلس، در این کتابخانه که یکی از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های کشور، دست ۲۳ هزار نسخه خطی وجود دارد. از سال ۱۵۰ تا ۷۷ در مجموع ۶۰۰ حلقه میکروفیلم تهیه شده اما از سال ۷۷ به بعد تلاش‌های جدی‌تر آغاز شده به طوری که از ۲۳ هزار نسخه موجود حدود ۱۵ هزار میکروفیلم تهیه شده و ۵۵۰ نسخه به CD نیز تبدیل شده است که هارد مربوط به آنها نیز نگهداری می‌شود. از چاپ‌های سنگی و سریبی موجود هم با کمک یک بخش خصوصی CD تهیه شده است.

##### با برگزیدگان

##### با ابوالفضل حافظیان، فهرستکار

## زدودن غبار غربت از چهره‌های آشنا



ابوالفضل حافظیان متولد ۱۳۲۹ در بابل است. در سال ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه قم شد و سپس از طی دروس مقدّسه‌ی مطبوع علی‌را نیز و از گزشت، از سال ۱۳۷۲ به واسطه علاقه شدید به تحقیق و معالقه نسخه‌های خطی وارد این عرصه گردید و با شناختن خود موفق به طی پله‌های ترقی در فهرستکاری نسخه‌های خطی شد. حافظیان در ده سال گذشته بیش از ۱۰۰۰۰ نسخه خطی کتابخانه‌های مختلف کشور را فهرست کرده است. از وی تک‌تک ۲۵ جلد کتاب که بیشتر آنها در حوزه کتب‌شناسی و نسخه‌شناسی است، منتشر شده است. همچنین ده‌ها مقاله در موضوعات کتب‌شناسی و نسخه‌شناسی در نشریات مختلف علوم حدیث، علوم سیاسی، حکومت اسلامی، آینه پژوهش، کتاب ماه، فین، کتاب‌های اسلامی، پنجم، زیاده و… منتشر شده است. وی هم‌اکنون مشغول نگارش نسخه‌های عکس، کتابخانه آینه‌نامه، مرثی‌نویسی و آماده‌سازی قطره‌های شیشه پژوهشی می‌باشد.

حجت‌الاسلام ابوالفضل حافظیان در پانزدهم دوره معاش احیای نسخ خطی در بخش فهرستکاری، به عنوان فهرستکار برگزیده انتخاب شده است. به سزای حافظیان رقم و از ضرورت فهرستکاری و پژوهش در حوزه نسخه‌های خطی سؤال کردم و او با بیان اینکه کتابخانه بدون فهرست در واقع گورستان کتاب است

گفت: ضرورت فهرستکاری نسخه‌های خطی امری دینی و واضح است و اهمیت و فواید آن در شناخت کتاب‌ها و حفظ و نشر آنها آشکار است. چرا که خطی و پژوهش در هر رشته علمی ضروری پژوهشگران کتابخانه‌های مختلف شده و از آن رشته است. در هیچ پژوهشگری بدون استفاده از کتاب به مقصد اهداف علمی خود دست نمی‌یابد و فهرستکاری در شناسایی به کتاب‌های مورد نیاز در رشته‌های مختلف علمی از هنوز ساده و کبیده‌بارگانه‌ی دانشمندان ممکن شده و اثری است ناظم و گویا که با زبانه‌های گوناگون با ما سخن می‌گوید یا فهرستکاری صحیح، نظم و روش مند، غبار غربت از چهره‌ی این آینه دلگشا زدوده می‌شود. حافظیان ادامه می‌دهد: در کتابخانه‌های بدون فهرست، دستیابی به کتاب، نحوهٔ مانند یافتن سوزن در آرد است. حفظ و جزئیات از نسخه‌های دستنویس، به فهرستکاری آنها بستگی دارد. چه بسا نسخه‌های عیبی و از دست‌یافتنی که در گزشته سالیانه و مدارسی زمان تاکنون بیش از ۵۰۰ عنوان فهرست در ایران منتشر شده است.

عقاب فهرستکاران ایرانی بدون تعصب دوری با روش علمی و قابل قبول به شناسایی کتاب‌های فارسی و غربی در موضوعات گوناگون پرداخته‌اند. او در فهرست‌نویسی کتاب‌های شیعی و سنی و زیدی و غیره و به عنوانی که مبدع از فارسی و عربی و ترکی و اردو و غیره، با رعایت انصاف، اعتدال در حد تعارف آنها را گزارش کرده‌اند. نگارش نسخه‌ی محققانه به کتاب‌ها داشته‌اند. اما با تلف باید بگویم در فهرست‌های کشورهای غربی و عربی به کتاب‌های شیعی و فارسی عقاده است و در معرفی نسخه‌های خطی مربوط به دانشمندان ایرانی و فارسی‌زبان و علمای شیعه، انصاف و دقت لازم به کار گرفته است و غالباً کتاب‌های فارسی در فهرست‌های غربی مجهول مانده یا نادرست معرفی شده است و به منبع شیعی بی‌احتیاطی شده است. فهرستکاران غربی نیز غالباً کتاب‌ها را به چشم یک شیء خنثی و اثر بی‌اشتیاق نگریسته‌اند و وضعیت فیزیکی و تاریخی نسخه را بیش از متون علمی آن ملاحظه قرار داده‌اند.

حافظیان با تأکید چندباره و بدون تعصب و آبن و تجربه‌ی ترین فهرستکار در کشورمان معتمد است. در هیچ کتاب‌هایی اندازه، بی‌برگشتی مانند، محمد تقی شایب‌پور و ابی یوسف شیرازی، عبدالحسن حایری، روحانی، موهبتی، ولایتی و احمد متزوی، سیدعبدالعزیز طباطبایی، حسین اشکوری و بسیاری اسامید دیگر که همانند آنها در مناطق دیگر بندرت یافت می‌شود.



ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

ابوالفضل حافظیان

شماره ۲۸

پنجم شنبه ۵ آذر ۱۳۸۲

www.rahmannews.com





داشته باشد و اصلاً به او نمی‌آید که چهار ماه دیگر بازنشته شود. حبیب‌الله بابایی یکی دیگر از نگهبان‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است.

بابایی که از ۱۷ سالگی مشغول به کار در دانشگاه تهران شده است می‌گوید:بمروم نمی‌شود ۳۳سال است که از زمان استخدام و شروع به کار در دانشگاه می‌گذرد. می‌گوید:از سال ۱۳۵۲در دانشگاه مشغول به کار شدم و سال به کار شدم.

از بابایی می‌پرسم در این سال‌ها هیچ وقت به فکر تاز نرسیده که مشغول به تحصیل شوی. سکوتم می‌کند و انگار که ۳۳ سال را به سرعت مرور کرده باشد می‌گوید:مشکلات زندگی هر چند که خودم نتوانستم نوانستم به این مسائل فکر کنم. لجنه‌ای می‌زدم و می‌گفد:لته هر چند که خودم نتوانستم درس بخوانم اما خوبنشته خترم لیسانس حسابداری دارم و بسرم نیز رشته تحصیلی می‌خوانم.

بابایی هم دیگر مگارش عضو کتابخانه است و گاهی کتابی برای چچه‌هاش امانت می‌گیرد اما خودش فرست مطالعه ندارد می‌گوید:روزهایی که در کتابخانه مستم باید به امور مربوطه رسیدگی کنم.

بابایی می‌گوید:خیلی علاقه‌مند مطالعه کتاب نیستم اما عاشق روزنامه هستم و هر روز که فرصتی به دست می‌آورم سراغ روزنامه‌ها می‌روم. جیبی در این سال‌ها که به گهگاهی مشغول بودم مشکل خاص نداشته و می‌گویم به امور نگهبان‌ها خیلی توجه ندارم و شاید تنها مشکلی که دارم مسائل اقتصادی است.

او در ادامه می‌گوید:بابایی من مشکلی است که اکثر اقشار جامعه با آن درگیر هستند.

بابایی در خصوص شغل نگهبانی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می‌گوید: کار در این کتابخانه به نوعی متفاوت با دیگر کتابخانه‌هاست چرا که در این کتابخانه دالما برآمده‌های مختلفی



برگزار می‌شود، برنامه‌هایی چون همایش‌ها سمینار و نمایشگاه کتاب و از طرف دیگر گاهی شخصیت‌های معروف و مطرح از کتابخانه بازدید می‌کنند.

بابایی می‌گوید در هر صورت خوب با یاد، ساخت با آسان چیزی دیگر تا نداشتنکتاب نامه‌ده و نیروهای جوان جایگزین ما نخواهند شد. هم از شغلی که داشتمم ناراضی نیستم.

کتابخانه مجبلی به واسطی این کتابخانه شاید هفته‌ای ۲۰۵ زایدی دارد و بسیاری از اعضای این کتابخانه شاید هفته‌ای ۲۰۵ روز به کتابخانه بیایند دیگر مستحقان و مطالعاتشان باشند. همین رفت آمده‌های فراوان باعث شده تا کارمندان و کارکنان کتابخانه با بسیاری از اعضا که سال‌هاست به این کتابخانه می‌آیند می‌روند. دوستم و رفیق شده باشند. یکی از کتابانی که چهره او برای اکثر اعضای کتابخانه مجلس بسیار آشناست نگهبان کتابخانه محمد شاکری است البته چهره بسیاری از اعضا نیز برای شاکری در این سال‌ها کاری را آشنا شده آنگذر که اگر چند روزی بگذرد و مثلاً یکی از اعضای که هر روز ساعت ۹می‌آمده پیدایش نشود او نگران خواهد شد.

شاکری نگهبان نسبتاً جوان کتابخانه مجلس سه سالی می‌شود که در کتابخانه مشغول به کار شده است. او که کیف مراهجان را درباخت می‌کند و به آنها لفتی می‌دهد، از این فرصت کوتاه برای یک حال و حال احوالریسی هم استفاده می‌کند و همین کبب کوتاه باعث شده تا با بسیاری از اعضای کتابخانه دوست شود. آنگذر که با تعدادی از آنها حتی رفت و آمد دارد و تماس تلفنی.

وقتی از شاکری می‌پرسم به شغل نگهبانی علاقه داری می‌گوید: نمی‌شود گفت علاقه دارم ولی شاید بتوان گفت به



مرور زمان علاقه‌مند شده‌ام. می‌پرسم به چیز آن علاقه‌مند شده‌ای؟

می‌گوید: همه چیز آن. شاید بیشتر به مراجعه‌کننده‌ها. همین و نیز چهره‌های جدید.برایم بسیار جذاب و دوست‌داشتنی است. شاکری در ادامه می‌گوید:من برای شغل خودم بسیار ارزش قائل هستم و فکر می‌کنم حتی شغل مقدسی هم دارم. عشق را که کتابخانه محقق هستند. با استادان دانشگاه و اکثر اساتذی‌های وارسته و دانشمندان عروپی هستند. که من کیف آنها را تحویل می‌گیرم و در قفسه می‌گذارم و آنها نیز به من اضاخه دارند و این موضوع برای من بسیار با ارزش و با اهمیت است.

شاکری که قبلاً در کتابخانه مرکز پژوهش‌های مجلس مشغول به کار بوده می‌گوید: هر جا که مراجعه‌کننده، آنجا بیشتر باشد از کارم بیشتر لذت می‌برم. شاکری با روابط عمومی بسیار خوبی چهره‌ای خرم برآی بسیاری از اعضا شده است. آقای وارد کویسک می‌شود و با شاکری حال و احوال می‌کند و گفتش را به او می‌دهد و می‌رود. شاکری می‌گوید: آشنات دفتر و کالنت دارند. یکی دیگر می‌آید و می‌گوید: آشنات دانشجوی فوق‌لیسانس ادبیات هستند. با هم حال و احوالی می‌کند و گفتش را تحویل می‌گیرد. از هر چند تفریحی که وارد کویسک می‌شوند یکی دو تفریحی با شاکری احوالرسی گرمی می‌کنند و بعد هم گفتشان را تحویل او می‌دهند و می‌روند.

شاکری خاطرات تفریحی‌های برای تفریح کردن دار اما فکر می‌کند اینکه گاهی اوقات چهره‌های مردمی را در کتابخانه دیده است. بهترین خاطرات است و فکر اینکه در این سال‌ها با تن دوستان خوب زیادی برایش خاطرات زیاد به یادمانی به وجود آورده است. شاکری با به حال هیچ مشکل نداشته است و می‌گوید: دلبلی هم ندارم مشکلی پیش‌آید چون مخاطب کتابخانه فقط رفاهی جامعه هستند. اگر بخوام مشکلی را مطرح کنم شاید بتوانم به کم شدن قفسی مراهجان کمک کنم که آن هم مشکل خاصی نیست و یک‌هاله از روابط عمومی مبتنی به تأیید کافی است تا کیشش را تحویل بگیرد.

### یادش بخیر

زمانی که تصمیم گرفت گزارش نگهبان‌های کتابخانه‌ها را بنویسد یکی از گزینه‌های کتابخانه عمومی پارک‌شهر پودبه دلیل خاطرات روزاندی که از آنجا دارم. بلام نمی‌رود حالی که برای تکلیف می‌خواندیم و به کتابخانه پارک‌شهر می‌رفتم. برای آنکه جایی برای نشستن داشته باشیم مجبور بودیم از ساعت ۵صبح به پارک برویم و گفتان در صف بگذاریم تا آنکه در کتابخانه باژ شود و داخل شویم. یادش بخیر چه دورانی بود هنگامی که وارد می‌شدم. یادش کارت نشان می‌دادم و شماره کارت می‌نوشتم. اگر نگهبان که پرورد مهربانی بود پشت میز منی ایستاد حتی کارها را مشکل مراهجه می‌شد.

همه آن خاطرات مزه‌ای بود تا بار دیگر به کتابخانه پارک شهر بروم گفت وگویی می‌به‌انگهبانی کتابخانه مرکزی پارک‌شهر داشته باشم. از آن پرورد خوری نبود و گفتند شاید نشته شده است. موضوعی را به نگهبان جوان پشت میز سالن ورودی می‌گویم. می‌گوید: باید از حراست اجازه بگیرم. حراست می‌گوید: باید از رئیس کتابخانه اجازه بگیرم. رئیس کتابخانه می‌گوید: باید از روابط عمومی اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی تهران اجازه بگیرم. روابط عمومی می‌گوید: باید نامه‌میزنی ما بدهیم به حراست…

و بالاخره این طوری می‌شود که برای یک حال و احوالریسی و یک کبب کوتاه باید چندین نامه نوشت و چندین روز صبر کرد. بسیار ناخاست می‌شوم شاید هم عصبانی از گفت‌وگو با نگهبان کتابخانه عمومی پارک‌شهر صبرظلمی کنم و با خودم فکر می‌کنم شاید همین یادآوری آن نگهبان پرورصمیمی آن سال‌ها کافی باشد. پروردی که گاهی اوقات اگر کسی جاگیرش نمی‌آمد مسئولش را به یکی از بچه‌ها می‌داد تا نوری آن بیندیند و درس‌هاش را بخواند…

### بارگزیدگان

**علی صدراایی خوبی و محمود طیارمرافی**

## موانع انتشار نسخ خطی

**علی صدراایی خوبی**

علی صدراایی تا پیشتر به صدراایی خوبی از برگزیدگان خرصه نسخ خطی و فهرست‌نگاران برکار سال‌های اخیر است. از وی تاکنون ده‌ها جلد فهرست و کتابشناسی نسخه‌های خطی منتشر شده است. در ادامه دیدگاه او دربارهٔ انتشار نسخ خطی جویا می‌شویم.

علی صدراایی خوبی با اشاره به گستره نسخه‌های خطی در ایران، کترومان را از جهت نسخه‌های خطی تمدن و فرهنگ و علوم اسلامی حائز رتبه برتری می‌داند. می‌گوید: در ربع قرن اخیر گام‌های شتیزی در معادله‌های شناسایی نسخه‌های خطی برداشته شده است. اما با توجه به تعداد قابل توجه نسخه‌های شناسایی نشده و این نکته که عدهٔ اندکی به تعداد قابل توجه نسخه‌های بزرگ و معروف کشور مانند کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی، کتابخانه مرکز دارالعلوم بزرگ، کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه برگزیده چهارمین همایش جهانی نسخ خطی، یا تأکید بر نقش اساسی استاد و فرمان‌های دولتی در تاریخ‌نگاری صحیح حوادث کشور، که به صورت دست‌نویس و خطی و از گذشته‌های تاریخی بسیار دور نگهداری می‌شوند. خوش‌حاصل آسانی در جهت شناسایی و انتشار این اسناد گردید که اغلب به صورت پروده‌های رانقد در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شوند.

وی از سه عامل به علل موانع انتشار نسخه‌های خطی نام می‌برد و معتقد است: شناسایی شدن و عدم آگاهی از تعداد تعدادی از نسخه‌های خطی در ایران مشکل اول انتشار فهرست و برای رفع آن به نظر می‌رسد روزنامه‌های علوم و فرهنگ و ارشاد اسلامی باید بخشی را تصدیق شناسایی و فهرست نسخه‌های خطی و انتشار

فهراس آنها زیر نظر کارشناسان شناساند.

عامل دیگر این است که کتابخانه‌ها حاضر نیستند نسخه‌های خطی را برای انتشار ارائه دهند. در رابط کتابخانه‌هایی که نسخ خطی نگهداری می‌کنند، بخشی به نام شورای نایب با عنوان‌های دیگر تشکیل شده که در برابر اعضای عکس از نسخه‌های خطی مصمم می‌گیرند. اگر نسخه مورد نظر جزء نایب تشخیص داده شود از ارائه عکس خودداری می‌گردد و بالاخره اعلام سوم، هزینه بالای تهیه عکس از نسخه‌های خطی است که از معضله‌های مضمومان تا

دیوستان و تیراج نام در نوسان است.

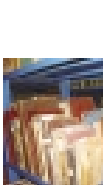
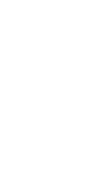
صدراایی خوبی بهترین راهکار برای انتشار نسخ خطی را با توجه به مشکلات عیدیه‌ای که در کشور ما وجود دارد، خرصه نرم‌افزاری آنها می‌داند.

**محمود طیارمرافی**

محمود طیارمرافی از جمله فعالان بخش نسخ خطی است که از سال ۱۳۷۰ مشغول پژوهش و تلفظنی در زمینهٔ شخصیت‌نگاری،

فهرست‌نویسی و کتابشناسی علوم اسلامی است. از وی تاکنون ۱۰ عنوان کتاب چاپ شده و همین تعداد نیز زیرچاپ است. فهرست نسخ خطی کتابخانه مسجد اعظم قم در ۶ جلد اخیر فعالیت آقای مرافی است. حجت‌الاسلام طیارمرافی دربارهٔ روش‌های تهیه فهراس و چاپ و انتشار عمومی نسخ خطی گفت: براساس آمار، بیش از ۳۰۰۰۰۰ نسخه دست‌نویس اثر کتابخانه‌های عمومی و خصوصی ایران نگهداری می‌شود که از این تعداد بالغ بر ۱۳۰۰۰۰ نسخه به صورت مجلد با مفضل فهرست‌داری شده و از بخش بزرگ دیگر جز اطلاعات غریب‌قد و شفاهی، گزارش‌های مکتوب و قفی در دست نیست.

وی دربارهٔ شیوه‌های تهیه فهراس گفت: فهرست‌نگاران نسخ دستنویس در قدیم الامام از سه شیوه در تهیه فهراس خود سود جسته‌اند: روش انتقادی، موضوعی و تاریخی. با کنجیه‌ای شدن نسخ خطی - پس از پیدا شدن صنعت چاپ - فهرست نویسی اهمیت بیشتری پیدا کرد و آن را در زمره علوم و فنون به شمار آوردند. از آن جهت بدان (فقه اطلاق کردند که به گردآوری اطلاعات مربوط به نسخه و کتاب احصاء دارد و به لحاظ آنکه به تحلیل جزوه علوم قرار دارد. وی افزود: پس از معرفی و فهرست دقیق نسخ دستنویس، قدم بعدی شناسایی متون ارزشمند برافزاید و سوسمند برای تصحیح و تحقیق علمی است. این روش که در سایبان اخیر در برخی کشورهای عربی مرسوم و طی آن در جهت جلوگیری از نابودی مطالب نسخه‌ها و در دسترس قرار دادن آنها بدون تصحیح علمی و فنی نسخه‌ها از جامعه و منتشر می‌سازند، به نظر بنده، روشی اشتباه و برحق است.▲



شماره ۲۹

پنج‌شنبه ۵ آذر ۱۳۹۲

پنج‌شنبه ۵ آذر ۱۳۹۲



**کتاب، خادمان نشر و حامیان نسخ خطی**

مقاله

مجید آل ابراهیم

## اهمیت جهانی نسخ

گاهی برای اینکه اهمیت چیزی را نشان دهیم در توصیف آن اغراق می کنیم و تا آنجا پیش می رویم که از واقعیت فرسنگ‌ها فاصله می گیریم و گاهی به چیزی که اهمیت زیادی دارد، آفتقر بی توجهیم که حتی جامعه‌ها را اتفاقی ساده می انگازیم. این افراط و تفریط در همه جا دیده می‌شود. به‌عنوان مثال میراث فرهنگی ما را در نظر بگیرید که چه حرف‌ها درباره آن می شنویم یا می خوانیم و در عمل چگونه با آن برخورد می کنیم.

اگر نسخ خطی را جزئی از میراث فرهنگی کشور در نظر بگیریم، آن وقت می‌شنویم که می‌گویند غربی‌ها هر چه دانش دارند از ما گرفته‌اند و کتاب قانون این سینا هنوز هم در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شود و غربی‌ها کتاب‌های ما را زده‌بندند و ما را در تاریکی رها کردند... و... و... از آن طرف می‌بینیم که معلم مردم کتاب خطی را چیزی می‌دانند که می‌توان با قیمت خوب فروخت یا کتاب «اسرار قاسمی» و «اسرار علوم غریبه» را از «تفہیم» تمیز نمی‌دهند و حتی دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی ما را در رشته‌هایی مانند فیزیک و ریاضی از همان سال می‌توانید در حراجی‌های معروف و غیر معروف خریدار نسخ خطی مشهور و نایابی که به تازگی از کشور خارج شده‌اند، ببینید. اگر بازار نمی‌کنید به وب گاههای حراج الکترونیکی مراجعه کنید.

ولی واقعیت چیست؟ آن همه رجز خوانی را قبول کنیم یا این عملکرد بد و غیر منطقی را؟ بهتر است به جای گفتش بحث به همین موضوع نسخ خطی بسنده کنیم و این مسأله را



به‌عنوان نمونه‌ای از کل، دقتتر بررسی کنیم.

نسخ خطی که می‌توانند شامل نامه‌ها، اسناد، اسکام و کتاب‌ها باشند یکی از آثار به‌جا مانده از تیکان هر قوم و ملتی است که از چند جنبه آنها را با ارزش می‌دانند و امروز بیشتر جنبه موزه‌ای و یادگار بودن آنها مطرح است.

این آثار گذشته از ارزش موزه‌ای خود، حداقل از دو جنبه هم باارزشند و چه درست و چه نادرست تحلیل‌ها و سخن‌های فراوانی در این موارد می‌شنویم. این دو یکی ارزش علمی نسخه و دیگری ارزش فرهنگی آن است. درباره ارزش علمی نسخ خطی حرف‌های زیادی وجود دارد که به اعتقاد نگارنده بیشتر آنها رجز خوانی و حرف‌های بیهوده است. در اینکه ایران زمانی کانون علمی جهان روزگار خود بوده است شکی نیست همینطور و که در پیشبرد علوم به‌دست دانشمندان مسلمان در مقطع خاصی از تاریخ هم نمی‌توان شک کرد و در نهایت کسی هم پیدا نمی‌شود که منکر زبان علمی بودن غربی در گذشته باشد.

ولی باید این نکته را هم در نظر گرفت که علم و دانش، موجوداتی زنده‌اند و بسیار نازپرورده و به جایی می‌روند و در جایی رشد کرده میوه می‌دهند که اسباب رشدشان فراهم باشد

و ارزش آن را بدانند. علم زمانی در معرض بود زمانی در چین و هند، زمانی در یونان و زمانی هم در خاورمیانه و ایران. به همان تعدادی که می‌توان دانشمند غرب و مسلمان ایرانی نام برد می‌توان دانشمند غربی و شرقی هم شمرد. علم زنده است و سیال و درست مانند هر سیال دیگری شکل ظرف را به خود می‌گیرد و در این کار به حافظه خود رجوع نمی‌کند یعنی مانند یخ نیست که به شکل قالب خود درآید و تا مدت‌ها شکل قالب را در حافظه نگه دارد؛ یا کوچکترین تغییری در شکل ظرف، مطروف هم تغییر شکل می‌دهد.

بسیارند کتاب‌هایی که از سربانی و یونانی و سانسکریت به عربی برگردانده شدند و باعث رشد علمی اعراب و مسلمان‌ها شدند و این رشد خودبه‌خود باعث رشد و بهره‌دهی علم در آن محدوده جغرافیایی و فرهنگی شد. پس از مدتی با تمساع شدن شرایط رشد و نمو علم در این ناحیه علم به جایی دیگر رفت که این بار هم زبان و فرهنگش با محیط قبل متفاوت بود و دوباره ترجمه متون و استفاده از آنها به زبان دیگر آغاز شد. دانشمندان و عالمان تکمیل‌کننده علم کلمه‌نگارند. اگر نظریه زمین مرکزی نبود که اعتقاد متحرک بودن اجرام سماوی و چرخشی آنها را به حول یک محور بیان کند، هیچ تلاشی برای اصلاح این نظریه و تدوین نظریه‌های کیهان‌شناسی امروز انجام نمی‌شد.

یعنی دانشمندان هر دوره‌ای و امدار دانشمندان دوره‌های پیش از خود بودند و علمی برای پیشرفت آیندگان و چه در گذشته و چه امروز کتاب‌ها و نوشته‌ها عامل این نقل و انتقال دانش بوده‌اند. اینکه همیشه سینه جلو بدیم و ادعا کنیم دانش امروز هرچه دارد ما را دارد مصداق همان گزاره گویی‌هایی است که سخن را با اشاره به به آنها آغاز کردیم. این سخنان درست مانند این است که هندی‌ها بگویند معنای صفر در ریاضی حاصل تلاش ماست پس کل ریاضی متعلق به ماست یا یونانی‌ها اعلام کنند که مسلمانان هیچ نقشی در علم نداشته‌اند و هرچه دارند از ما کپی کرده‌اند و نشانه‌اش اینکه تمام صورت‌های فلکی و نظریه‌های کیهان‌شناسی مطرح و معرفی شده در کتاب‌های اسلامی یونانی است یا ریشه‌ای یونانی دارد.

علم خاصیت دیگری هم دارد که آن هم از زنده بودنش سرچشمه می‌گیرد و این است که اگر علم در جایی پیشرفت نکند به جایی دیگر می‌رود و چون اسباب رشدش نیز با خودش است در هر جایی که زمینه مناسب بود خود را نشان می‌دهد و منتظر این نمی‌ماند که مثنی یا شخصی بک نکته را کشف کنند تا بعد از آن رشد کنند. این یعنی که اگر خوارزمی جبر را به‌وجود نمی‌آورد کس دیگری در زمان و مکان دیگری این کار را می‌کرد و رشد علم به خاطر نبودن جبر و خوارزمی متوقف نمی‌شد. شاهدان این مدعا شمار بسیار زیاد کشف‌ها و اختراعات مشابه در نقاط دور از هم است. شینیان اینکه دو دانشمند در دو سوی دنیا در یک زمان به یک نکته مشترک رسیده‌اند در حالی که از دو راه مغفارت حرکت کرده‌اند. چیزی عجیب و باورکردنی نیست. به یاد می‌آورم زمانی که به تدریس اشتغال داشتم، دانش آموزانم در آزمایشگاه فیزیک الکتروسیمته بدون اینکه خود بدانند قانون «اوم» را دوباره کشف کردند.

پس می‌بینیم که تکلیه و تأکید بر نسخ خطی به‌عنوان شاهدان دانشمند و عالم بودن ما کار صحیحی نیست. اینکه بگوییم با مطالعه کتاب‌های قدیمی هم می‌توانیم در علوم جدید نیز پیشرفت کنیم نیز بیشتر به لغاطی و شمار می‌ماند تا واقعیت. تکلیف کتاتر‌هایی از قبیل تدریس کتاب‌های ما در دانشگاههای معتبر اروپا و آمریکا که دیگر به لطفه‌ای تکراری می‌ماند، پس نسخ خطی چه ارزشی دارند. اینجاست که نقش فرهنگ خود را نشان می‌دهد. به آن باید توجه کرد. در این همان چیزی است که تمام ملت‌ها به دنبال‌ آنند و به آن اهمیت زیادی می‌دهند؛ آنها هویت خود را نیز در گرو کلمه فرهنگ می‌دانند و فرهنگ چیزی است که هم خلق می‌شود و هم از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و هم با نفوذ فرهنگ جدیدی تغییر ماهیت می‌دهد. معماری و موسیقی مثال‌های روشن چنین سختی‌های



هستند. اگر امروز اهمیتی به نسخ خطی داده می‌شود علاوه بر جنبه تاریخی آنها، نقش پررنگ و مهمی است که در رشد فرهنگی جوامع بر عهده دارند. نسخ خطی را امروز در کتابخانه‌های دانشگاهی می‌توان یافت ولی نه برای تدریس یا مطالعه تکمیلی دانشجویان بلکه به‌عنوان منبع تحقیقی در تاریخ علم، ادبیات، دین و فرهنگ.

حالا که ارزش واقعی این نوع از میراث فرهنگی را شناختیم، بگاهی هم به رفتارهای خودمان و برخورد دیگران با میراث مکتوبمان داشته باشیم.

کتابخانه‌های معروف کشور چه دولتی و دانشگاهی، چه حوزوی و چه شخصی شامل تعداد زیادی از نسخ خطی‌اند که بیشتر مورد استفاده پژوهشگران است و تنها جایی که بجز این اماکن می‌توان نسخ خطی را سراغ گرفت عتیقه‌فروشی‌ها هستند. برخورد‌ها با این آثار بیشتر محدود به تلاش‌هایی است که برای حفظ و نگهداری آنها می‌شود نه معرفی‌شان. البته در مورد بعضی از آثار ادبی مانند شاهنامه و دیوان حافظ یا کتاب‌های دینی مانند قرآن مسأله، کمی متفاوت ولی با این حال هنوز تا درک صحیح و به‌دنبال آن استفاده مناسب از نسخ خطی فاصله زیادی داریم. این چیزی است که در خارج از ایران اهمیت آنها درک شده و تلاش‌های زیادی در بهره‌برداری به‌سود فرهنگ آن کشور از آن شده‌است. آنها می‌دانند که بجزو می‌توان از موسیقی سیاهان آفریقا برای پیشبرد موسیقی و فرهنگ خود استفاده کنند ولی ما نمی‌دانیم با این گنج عظیم چه کنیم. دنیا، دنیای ارتباطات و الرگداری فرهنگ‌ها بر هم است و بدایه حال ملتی که نتواند از چیزی که در اختیار دارد بی‌امی‌تواند در اختیار بگیرد استفاده کند.

موقعی که این مطلب نوشته می‌شد برای پیدا کردن مستندات لازم سری به دنیای مجازی زدم که به‌عنوان تکلمه یادداشت نظر شما را به‌خاطم‌ای از یافته‌ها جلب می‌کنیم.

##### موزه‌ها

در تمام موزه‌های بزرگ و معروف بخش‌هایی که مربوط به دست‌نوشته‌ها و نسخ خطی هستند وجود دارند و شامل گنجینه‌هایی از زبان‌ها و خطوط مختلفند. مشهورترین آنها «بریتیش میوزیوم» (موزه بریتانیا) است که از کتاب مردگان به خط هیروگلیف و روی پاپیروس که به‌همراه موزه‌های مصری دفن می‌شد می‌توان دید. تا... دست‌نوشته‌های نویسندگان معروف یکنی دو سده اخیر.

##### مجموعه‌های شخصی

شاید بیشترین منابع در زمینه میراث مکتوب متعلق به افراد حقیقی است که حجم زیادی از آثار را در مجموع در بر می‌گیرد. بیشتر این مجموعه‌ها یا به کتابخانه‌های حقیقاتی دانشگاهی امدا شده‌اند یا امکان دسترسی پژوهشگران را به‌آن‌ها آنها بآبگیر است.

##### کتابخانه‌های ملی

کتابخانه‌های ملی در سراسر دنیا نیز به‌مجموعه‌هایی از نسخ خطی را در اختیار دارند که برای استفاده علاقه‌مندان به‌صورت الکترونیکی یا میکرو فیلم و فیش ذخیره شده‌اند. و خود را در شرایط مناسب و تحت نظارت شدید حفاظتی و امنیتی نگهداری می‌شود. از مهمترین کتابخانه‌های ملی که مجموعه‌های بزرگی از نسخ خطی غربی یا فارسی را در اختیار دارند می‌توان به کتابخانه‌های «بریتیش لایبرری» (کتابخانه بریتانیا)، کتابخانه کنگره، کتابخانه مسکو و کتابخانه ملی هند اشاره کرد. بیشتر

<sup>[1]</sup> بنده شنبه ۵ آذر ۱۳۸۶ شماره ۲۰۹

این کتابخانه‌ها امکان جست‌وجوی آثار خطی را به طور «آن‌لاین» (روی خط) فراهم کرده‌اند.

**کتابخانه‌های دانشگاهی**

مراجعه‌مرفی شده در این کتابخانه‌ها بسیار گوناگون و زیادند به همین دلیل فقط چند دانشگاه آمریکایی و چند اثر معروفی را که می‌شناختیم به شما معرفی می‌کنیم.

**دانشگاه پرنسطن بیبل**

- شرح منظومهٔ این سیب‌ا این رسیده به خط نسخ
- جواهر اللغه، محمد بن یوسف هروی به خط نسخ
- کنز الحکماء، و مطلب الاطباء، ابوسعید ابن ابراهیم محری
- کتاب کامل الصناعة العَلَبیَّة معروف، علی ابن عباس
- کتاب جالیوس فی عمل التشریح جالیوس، ابن کتاب
- توسط چنین ابن اسحاق از زیان یونانی به زبان عربی ترجمه شده است. به خط نسخ
- کتاب الحاروی، ابوبکر محمد ابن ذکریای رازی به خط نسخ
- فی الادویه الموجدوه فی کل مکان، ابوبکر محمدابن ذکریای رازی به خط نسخ
- رسالهٔ شفاء العاجل، محمد ابن صدراالدین طبیب به خط نسخ
- جامع القوائد، یوسف ابن محمد یوسفی به خط نسخ
- در معرفة الاسطرلاب، محمدابن محمد طوسی
- در عمل اسطرلاب، علی جعفر رومی به خط نسخ
- تشریح منصور، منصور ابن محمد ابن احمد ابن الیاس به خط نسخ
- فریح نامه، ابوبکر مطهر ابن محمد بزدی
- تحفة المؤمنین تشخصی راج فی مدلای رسوم، محمد فومن تکابیی به خط نسخ

**دانشگاه میشیگان**

- رسالات المشاعر، محمد ابن ابراهیم صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)
- اسفار اربعه، محمد ابن ابراهیم صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)
- مشکاة الانوار، امام محمد غزالی



- کتاب شرح الاشارات، خواجه نصیرالدین طوسی
- شفاء ابوعلی سینا
- حکمت اشراق،یحیی ابن حبش سهروردی
- شرح حکایک التور، میر غیاث الدین اصفهانی
- اسرار الالایث و انوار الیقینات، محمدابن ابراهیم صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)

**دانشگاه مک کیل**

مجموعه نسخ خطی دانشگاه مک‌کیل شامل کتاب‌هایی به زبان‌های عربی، فارسی، ترکی عثمانی و اردو است. این کتاب‌ها در کتابخانه‌های مختلف این دانشگاه نگهداری می‌شوند و شامل ۳۳۸ عنوان هستند و موضوع‌های مختلفی مانند پزشکی، ادبیات، علوم، فلسفه و علوم قرآنی را در بر می‌گیرند که متعلق به قرون نهم تا سیزدهم هجری قمری‌اند.

- مشهورترین آثار موجود در این دانشگاه می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد.
- خواص الحیوان
- الفوائد جمعی
- تشریح پتکر منوری
- هفت پتکر نظامی
- شاهنامه فردوسی
- خسبه نظامی
- دیوان سعدی
- تحفة المؤمنین
- فرخ‌نامة جمالان.

### از متنی اتفاق

## اسناد پادریان کرملی

اما تاکنون اسناد مست اول از فعالیت‌های آنان در ایران انتشار نیافته بود تا بتوانیم بهتر بدانیم که مقاصد فرستادگان دربارهای اروپا چه بوده است. البته متن سه مکتوب از هرم عباسی دیده می‌شود ولی در قبال کثرت اسنادی که در کتابخانه‌های اروپایی وجود دارد، بسیار اندک است. آقای فرانسس ریشارد (F.Rihsan) فرانسوی متخصص شناخت نسخ خطی فارسی هم شش فرمائی را که در فرانسه محفوظ است، در شماره ششم - پاییز ۱۳۶۸ - مجله دیپره (ژورنلر) خانم دکتر هما ناطق) در پاریس به چاپ رسانیده است و مناسب دیده شد که به صورت پیوست جزو پیوست‌های این مجموعه آورده شود.

از اسناد مربوط به همین گروه کرملیان کرملی‌ها در جلد کتاب فطور در زبان انگلیسی وجود دارد که هنوز به فارسی ترجمه نشده و در تحقیقات ایرانیان نیز به طور گزرا و سدرستی بدان ارجاع داده شده است.



### این کتاب مجموعه‌ای سندی است و قصد دکتر ستوده بر آن بوده است که متن اسناد در دسترس محققان باشد

نخستین پژوهشی که ما را با سوابق ارتباط ایران با جمهوری ونیز در جنبه‌های سیاسی -تجاری از روزگار آژون حسن تا شاه سلطان حسین صفوی آگاه می‌کند، کتابی است به زبان ایتالیایی که ترجمه هشتاد و پنج سند را در بردارد. مقادیری از همین اسناد در سال ۱۳۵۲ به اهتمام مؤسسه Lomeo به ایران آورده شد و در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به معرض نمایش درآمد و از آنها میکروفیلم برای کتابخانه فراهم شد. فهرستی هم از آن اسناد با کوشش ایرج انور و قدرت‌الله روشنی زعفرانلو به چاپ رسید. در این نمایشگاه یکصد و نود و چهار سند و مأخذ ارائه شده بود.

اغیراً به کوشش آقای محمدحسن کاووسی عراقی مجموعه نود و دو سند با نام اسناد روابط دولت صفوی با حکومت‌های ایتالیا به چاپ رسیده است که مربوط می‌شود به سه ناحیه ونیز، توسکانا (فلورانس) و دربار پاپ (واتیکان) و در میان آنها هم مدارکی هست که با موضوع کنونی مرتبط است. اگر اصل همه آن اسناد عیناً به طبع رسیده بود، اسناد به مندرجات آنها برای محققان اطمینان بخش می‌شد. کوشش دکتر ستوده بر آن بوده است که ضبط کلمات فرنگی یعنی نام ماهها، شهرها و اشخاص را در هر بار همان‌طور بیابورد که در نسخه آمده است. بنابراین گاه یک نام با دو سه ضبط مختلف که کاتب آورده است در متن دیده می‌شود. ولی در فهرست‌ها به وسیله ارجاع دادن یکی به دیگری تا جدولی به همسان نام‌ها کمک شده.

در مورد نام اشخاص چون خوشبختانه آقای بیه مونتسه در فهرست خود توانسته است اکثر اسامی مشاهیر سلاطین و پاپ‌ها را بیابد. همان‌هاست که خط لاین در فهرست مندرجات او وارد شده است. پس ضرور دانست که عکس آنها در فهرست پیوست آورده شود. البته با مراجعه به آن فهرست می‌توان بعضی اطلاعات مربوط به هر یک از آنها را به دست آورد.

این کتاب مجموعه‌ای سندی است و قصد دکتر ستوده بر آن بوده است که متن اسناد در دسترس محققان باشد. بنابراین انتشار این مجموعه مورخان ایران روزگار صفویان را و امی دارد که پژوهش‌های تازه‌ای را پیش آورند.

**نشر میراث مکتوب به همراه طبع ترجمه مبنیدی از قرآن کریم (به تصحیح دکتر تأیث) و نشر تاریخ رشیدی میرزا محمد حیدر دوعلات که توسط دکتر غفاری فرد تصحیح شده است، اسناد پادریان کرملی را نیز منتشر کرده است و تا چند روز دیگر به بازار عرضه خواهد کرد.**

**اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس صفوی، تصحیح، دکتر منوچهر ستوده با همکاری ایرج افشار**
**آتیچه در ذیل می‌آید یادداشت استاد ایرج افشار است بر این اثر:**

از نسخه یگانه ترجمه فارسی مکتایب و اسناد مربوط به گروه مسیحیان مشهور به پادریان کرملی/ کرملی یا پاریهنگان که در کتابخانه ملی شهر ناپلی ایتالیا نگهداری می‌شود، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران میکروفیلمی تهیه کرده بود که دانشمند نامور دکتر منوچهر ستوده متن را به مناسبت اهمیت تاریخی و سندی استناخ کرده و در کتاب کنونی در دسترس پژوهشگران تاریخ عصر صفوی قرار داده است.

گروه کرملیان در روزگار پادشاهی شاه عباس صفوی فرصت مخصوص یافتند که برای تجارت و ضمناً تبلیث مسیحیت به ایران بیایند. در آن وقت مصلحت دربار پاپ و دول مهم اروپایی آن بود که با ایران دوستی و همراهی داشته باشند تا بهتر بتوانند در قبال نفوذ عثمانی به درون اروپا مقاومت کنند. این موضوعی است که به تکرار و تفصیل در مآخذ اروپایی و ایرانی بدان پرداخته شده، مانند آنچه نصرالله فلسفی به روشنی و خوبی در کتاب پنج جلدی مشهور خود - زندگی شاه عباس اول - در فصل سیزدهم که «شاهی و دین داری» عنوان دارد، ذیل «شاه عباس و دین عیسی» (ص ۹۳۳-۹۳۷) و رفتار او با کشیشان و مبلغان دین عیسی» (ص ۹۴۶-۹۷۱) آورده او اطلاعات متوعی را درباره نحوه رفتار آن پادشاه با روش اقدامات مسیحیانی که در اصفهان می‌زیسته‌اند براساس منابع اروپایی و فارسی آورده و در حقیقت مقدمه‌ای روشن را در آن موضوع عرضه کرده است.

از جمله مسطوری چند را به اقدامات مسیحیان کرملیت (پادریان) و تمایلات پاپ به داشتن ارتباط سیاسی استوار با ایران اختصاص داده و چندین بار سخن از پادری جوان (=پروژان تازه) به میان آورده و فرمائی را نقل کرده است که شاه عباس در رمضان سال ۱۰۲۰ دربارہ او و پروردیتو به حکام و داروعلگان در خصوص عزت و احترام گذاردن به آنان صادر کرده بود. ولی متأسفانه نگفته است که متن آن فرمان را از کدام مأخذ برگرفته بوده است.

اطلاعات مربوط به این موضوع، متأسفانه در تواریخ عصری صفوی به زبان فارسی گسترده و آشکارا نیست. ملاحظات مختلف طبعاً موجب آن می‌شده است که مورخان به سربستگی و کوتاهی به مطلب نگریسته‌اند. تعوض اسناد فارسی هم آنچه در ایران بوده یا بודی رفته است، بنابراین برای تجسس در این موضوع باید به منابع دسترسنی پیدا کرد که در ممالک اروپایی انتشار یافته و اگر هم به فارسی باشند باز در کتابخانه‌های آن کشورها بیشتر در امان مانده است و از آن جمله است مجموعه‌ای از فرامین و مکتوبات که در این صفحات طبع شده است و من سعادت یافته‌ام که به درخواستی ایشان آن را بخوانم و بکار هم با نسخه عکسی به مقابله درآورم و نیز به تمایلی ایشان گزارش از اسناد و دیگر اسناد مرتبط با موضوع بنویسم.

بیه مونتسه اسناد مذکور را با شماره گذاری خود ۱۶۸بر شمرده ولی در این چاپ تعداد آنها به یکصد و هفتاد شماره گذاری شده است. اختلاف ناشی از آن است که به نام‌های مندرج در یکدیگر شماره جدا داده شده است.

اهمیت این اسناد مشخص است. زیرا اگر این مدارک دستیاب نشده بود حتی از راه سفرنامه‌های اروپاییان هم ممکن نبود که نسبت به این روابط میان صفویان و مسیحیان تا این اندازه به جزئیات دسترس یابیم.



**کتاب، خادمان ششرو حامیان نسخ خطی**

**گزارش**

**تأسیس کتابخانه همزمان با تأسیس مدرسه، به سال ۱۲۹۶ قمری بازمی‌گردد**

بنای مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) را میرزا حسین‌خان سپهسالار قزوینی در سال ۱۲۹۶قمری بر اساس نهاد وقف بنیان نهاد. پس از فوت وی بنا بر وقنامه مدرسه، تولیت مدرسه‌عالی یعنی ناصرالدین‌شاه،یحیی‌خان شیرالدوله (برادر میرزا حسین‌خان سپهسالار) را مأمور انجام بنا نمود. وی قبل از اتمام بناقوت نمود و امور مدرسه به خاندانعلی‌خان امینی‌معاون واکار شد. و بعد از سال‌ها تلاش، سرانجام بزرگ‌ترین بنای تاریخی، یعنی مجموعه مسجد و مدرسه، پس از بنای مدرسه چهارباغ اصفهان، به وجود آمد و به مدرسه نامسریه موسوم گردید.اولین فعالیت آموزشی مدرسه در سال ۱۳۱۳قمری و با حضوررتبه‌جاه طلبه به همت میرزاابوالفضل مجتهد کلانتر تهران آغاز شد. اما چندی نگذشت که در جریان به توب بستن مجلس (۱۳۲۳ قمری) خدماتی تیزی به بنای مدرسه وارد شد و آن را به‌صورت تعطیل درآورد.این وضعیت تا سال ۱۳۳۷قمری ادامه یافت تا اینکه حاج صدرالدوله امور مدرسه را به بروال عادی بازگرداند.

در سال ۱۳۰۴ خورشیدی آیت الله سیدحسن مدرس، برنام‌های جامع را در سطحی گسترده در مدرسه به اجرا درآورد و پنج سال بعد (۱۳۰۹) که علی‌اصغر حکمت هفده‌دار امور مدرسه گردید، دانشکده معلول و معلولان را در آن راه‌اندازی کرد. چندی بعد نیز مؤسسه حفظ و خطابه در مدرسه شروع به فعالیت کرد اما جریان سال ۱۳۲۰ امور مدرسه را بار دیگر مختل کرد. در سال ۱۳۲۲تولیت جدید مدرسه، محسن صدر (صدرالاشرف)ف، مدرسه را با نام دانشکده روحانی مجدداً راه‌اندازی کرد. با روی کار آمدن سیدالعرفین (۱۳۲۹) مدرسه رونق بیشتری گرفت و به مدرسه عالی سپهسالار تغییر نام یافت. در این دوره بسیاری از مباحث علمی و مذهبی رادیو ابوالصالح به دستگاه رادیویی تهران از طریق مدرسه تولید و پخش می‌شد. برخی از سخنرانی‌های وعظ معروف مانند مرحوم آراشد، مرحوم صدر بلاغی و مرحوم محدثی فلسفی در رادیو، از این مجموعه است.

پس از پیروزی انقلاب، آیت‌الله امامی کاشانی با حکم امام خمینی به تولیت مدرسه منصوب گردید و مدرسه با نام مرحوم شهید مطهری دوره جدیدی از حیات خود را با تلفیق نظام و معاد تعلیمی حوزه و دانشگاه، آغاز نمود.

**کتابخانه‌های بزرگی و مراکز اسناد**

**مدرسه عالی شهید مطهری**

کتابخانه مدرسه که تا تأسیس آن هم‌زمان با تأسیس مدرسه، به سال ۱۲۹۶ قمری بازمی‌گردد، در ساختمان مرکزی مدرسه قرار دارد. این کتابخانه که بنیان آن با کتاب‌های شخصی میرزا حسین‌خان سپهسالار، علیقلی میرزا اعضداالسلطنه و خرید چندین مجموعه نفیس از کتاب‌های خطی و چاپ سنگی بنا نهاده شد، با گسترشی که به مرور زمان یافته، هم‌اکنون یکی از نفیس‌ترین مجموعه‌های خطی و سنگی کشور را اختیار دارد و از همین رو یکی از شناخته‌شده‌ترین کتابخانه‌های ایران است به‌شمار می‌رود.

قدیمی‌ترین نسخه موجود در این کتابخانه، قرآنی است به خط کوفی و زلفی که در قرن سوم هجری نگاشته شده است. همچنین نسخه‌ای از حسمه حکیم نظامی در این کتابخانه موجود است که می‌توان آن را نفیس‌ترین نسخه این کتابخانه دانست. این کتاب به سال ۹۵۶ قمری کاتب شده است.

**بخش خطی**
بخش خطی کتابخانه، مشتمل بر بیش از ۴۰۰۰ نسخه است که غالب آنها ویژگی‌های منحصر به فردی دارند و از نسخه‌های نفیس به‌شمار می‌روند. بنیاد این مجموعه نفیس با کتاب‌های

خطی میرزا حسین‌خان سپهسالار و اعضداالسلطنه نهاده شد. در سال‌های اخیر جهت حراست از این میراث گرانبها، اقداماتی نظیر مجهز نمودن مخزن به سیستم اعلام و اطفای حریق، ضدعفونی نسخه‌های خطی، تأمین دمای مناسب و شرایط نگهداری مطابق با استانداردهای علمی و در نهایت ورود اطلاعات به رایانه صورت پذیرفته است.

در این بخش دفتر یادبود نیز وجود دارد که اولین یادداشت آن مربوط به یکی از مقامات دولت مصر در سال ۱۳۰۸ می‌باشد. این دفتر، خود یکی از بهترین اسناد کتابخانه به‌شمار می‌رود و در آن دستخط بسیاری از رجال سیاسی و دانشندان ایرانی و خارجی به چشم می‌خورد که نظرات خود را در توصیف این کتابخانه نگاشته‌اند. قسه‌های این کتابخانه قدیمی بوده و به نوبه خود اثری هنری و تاریخی به‌شمار می‌آید.

فعلاً تنها مرجع در دسترس جهت آشنایی پژوهشگران و علاقه‌مندان به نسخه‌های خطی این مجموعه، فهرست آقای ابن یوسف شیرازی (ضیاءالدین حدائق) که از سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۵ چاپ گردیده است و همچنین فهرست آقایان علیقلی منزی و مرحوم محدثی بی‌شماره است که مطبذات آن در سال‌های ۱۳۲۰، ۱۳۲۶ و ۱۳۵۶ به چاپ رسیده است.

کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) با دهها هزار جلد کتاب به زبان‌های مختلف از کتابخانه‌های مهم کشور به‌شمار می‌آید. این کتابخانه به همراه مدرسه عالی به وسیله



میرزا حسین‌خان سپهسالار (۱۲۹۸ هجری قمری تأسیس و بنیان نهاده شد. میرزا حسین‌خان سپهسالار با خریدن کتاب از چند جا که صورت هر خرید را در دفترچه‌ای به خط سیاق برای او نوشته‌اند، و همچنین خریدن کتاب‌های کتابخانه‌های خصوصی، اعضداالسلطنه (و ۱۲۹۸ هجری قمری وزیر علوم وقت در سال ۱۲۹۷ هجری قمری، همه اولیله کتابخانه را بنیاد نهاد. او همه کتاب‌های خریداری شده را به خط خود، منقول و وقف نموده است.

این کتاب‌ها عنوان وقف و مهر و تاریخ پانزدهم ذیحجه ۱۲۹۷ هجری قمری را دارند. براساس آمار اداره اوقاف در سال ۱۳۲۲ و تجدید نظر اعمال شده در آن آمار در سال ۱۳۳۸ هجری قمری، تعداد مجموع این کتاب‌ها ۳۳۷۷ جلد بوده است. اکنون هزاران نسخه خطی موجود در این کتابخانه که برخی از آنها بی‌نظیر یا کم‌نظیر می‌باشند، مهم‌ترین بخش این کتابخانه را تشکیل می‌دهند. بخش خطی این کتابخانه، هم‌اکنون مشتمل بر ۲۱۸۵ نسخه می‌باشد که برخی از آنها در فهرست موجود نسخه‌ها، که چاپ شده، نیامده است.

**اولین فهرست بزرگ‌های نسخه‌های خطی**
که در آن زمان ریاست بازرسی وزارت معارف را عهده‌دار بود و زیر نظر آقای بدیع‌الزمان فروزفر، با دقت در خصوصیات هر یک از نسخه‌ها فهرستی از کتاب‌ها تهیه گردید.



**نگاهی به فهرست نسخ خطی**

**کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار)**

# گنجینه‌ای با بیش از ۴۰۰۰ نسخه خطی

در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی، در زمان وزارت آقای حکمت، چند نفر از استادان و مدرسان مدرسه عالی یعنی آقایان محمود شهابی، مرحوم مشکات و نظریاک، که نظر مرحوم فروزفر، فهرستی از کتاب‌های کتابخانه تهیه کردند و با تطبیق فهرست گذشته خود کتاب‌ها، نادرستی‌ها را نادان‌های کاشف دادند و جزئیات برخی از مجموعه‌ها را از یکدیگر جدا کردند و به هر یک شماره‌ای جداگانه دادند و بر اساس آن فهرست، برگه‌های کتابخانه را مرتب نمودند.

**تاریخ تهیه و چاپ اولین فهرست نسخه‌های خطی**
مرحوم ضیاءالدین، فرزند حاج شیخ یوسف حدائق شیرازی مشهور به ابن یوسف، از اهل التحصیل نخستین دوره دانشکده معلول و معلولان با همکاری آقایان عبدالحمین امین عراقی و محمدحسین واحدی در طی پنج سال از سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۳۱۸ خورشیدی، فهرست نسخه‌های خطی را در دو جلد تهیه و به نگارش درآورد. جلد اول نسخه‌های خطی که به وسیله ابن یوسف شیرازی نگاشته شده است، مشتمل بر هفت بخش است. عناوین بخش‌های هفت‌گانه به شرح ذیل است:
۱- قرآن ۲- دعا ۳- تفسیر- ۴- دربارهٔ قرآن ۵- خبر و حدیث ۶- هفت اصول فقه.

جلد دوم فهرست مذکور شامل شش بخش است که عناوین بخش‌های آن به این شرح است:
۱- مناجات ۲- فرهنگ‌نامه‌ها ۳- صرف و نحو ۴- معانی و بیان ۵- عروض ۶- شعر و قصاید آن.

جلد اول یا معرفی ۱۹۵ نسخه از ۳۰۳ کتاب در ۶۶ صفحه انتشار یافت.

مرحوم ابن یوسف شیرازی، با استفاده از اطلاعاتی که زیر نظر مرحوم آقای بدیع‌الزمان فروزفر در سال‌های ۱۳۰۴ و ۱۳۰۵ خورشیدی تهیه شده بود، اطلاعات نسبتاً جامعی از نسخه‌ها و کیفیت آنها جمع‌آوری نمود و در نظر بوده است که فهرست جامعی از نسخه‌ها را ارائه دهد. ولی علی‌رغم زحمت فراوان و جامعیت برخی اطلاعات مباحث تنظیم شده، این هدف حاصل نگردید.

**تهیه و چاپ جلد‌های سوم، چهارم و پنجم فهرست نسخه‌های خطی**

در سال ۱۳۱۵ خورشیدی، انجمن ایرانی فلسفه و علوم انسانی «در تهران و راسته به انجمن بین‌المللی فلسفه و علوم انسانی» از موسسات وابسته به پرسکوه تهیه و انتشار فهرستی از تمامی نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه سپهسالار در دستور کار و اقدامات خود را در دیدار با اسامی دین‌تر از فهرست‌نویسان برجسته، یعنی آقایان علی‌قلی منزی و مرحوم محدثی حدائق، پیروم را مأمور تکمیل و تنظیم فهرست‌نویسی این گنجینه ارزشمند از نسخه‌های خطی نمود.

خوشبختانه این مهم در طی سه سال یعنی تا پایان سال ۱۳۳۸ خورشیدی به انجام رسید. سپس آقای منزی مأمور تصحیح و چاپ این فهرست گردید که تجدید نظر آن اسفند ۱۳۴۰ به انجام رسید و در نتیجه جلد اول آن در سال ۱۳۴۱ خورشیدی منتشر گردید و جلد دیگر به ترتیب در سال ۱۳۴۶ و ۱۳۵۶ خورشیدی به چاپ رسیده است.

این سه جلد فهرست انتشار یافته به همراه دو جلد فهرست ابن یوسف شیرازی تکمیل یکدیگرند و در مجموع پنج جلد فهرست کنونی کتابخانه را تشکیل می‌دهند. سه جلد اخیر علی‌رغم رقم تلاش و وقت‌بسته‌کنندگان آنگاه، آنگاه کاشانی‌ها و نادرستی‌هایی دارد که در طی‌های اخیر، تلاش شده است تا ضمن تجدید نظر نسبت به تصحیح و تکمیل آنها اقدام گردد.

حجت‌الاسلام رضا مختاری؛ فهرستگان:

## احیای تراث اهل فن می خواهد

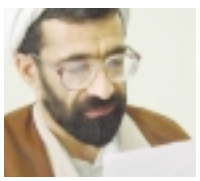
شاید کاهش تولید علم در این سال‌ها به سبب بی‌توجهی و بها ندادن به نیروهای فعال و پرکار در این بخش باشد و چنانچه در احیای تراث را هم نخته کنیم موجب تولید علم و خلق اندیشه نخواهد شد. بلکه مشکل را باید در جای دیگر جست‌وجو کرد. بنده نمی‌گویم کسی که احیا و تصحیح متون تولید علم بپردازد، بلکه کسی که با یک قدم اساسی و مهم برای تحریک پروراز است که با نگاه بر تجربیات گذشته، به تولید علم و خلق اندیشه بپردازد. بنابراین، به احیای تراث، باید به عنوان پایه و مقدمه تولید علم نگاه شود.

در احیای تراث تا چه میزان مقصد به استفاده از کارشناسان و اهل فن هستید یا سأله در احیای تراث شیمی و ایرانی

تا چه حد رعایت می‌شود؟

شکی نیست که در احیای تراث نیز مانند هر فن دیگر نیاز به خیره و کارشناس است. بسیاری از افراد که بدون استاد و آموزش و به‌صورت خودرو دست به احیای متون زده‌اند، دچار

اشتباهات بسیار فاحش شده‌اند. در تفذهای که بنده بر برخی از کتاب‌های تصحیح شده نوشته‌ام، اذیتا در مجلات چاپ‌شده در آینه در حجت دوم جمع ویرشان چاپ خواهد شد.اکنون که در این آثار وجود دارد به خاطر آن است که مشخصاً آنها نه استاد دیده‌اند نه آموزشی فرا گرفته‌اند. بلکه به صورت خودرو دست به تصحیح متن زده‌اند. مشکل اینجاست که ناآگاهان احیا را کاری ساده و پیش پا افتاده می‌پندارند. اینان تصحیح را با مقایله و نسخه‌خوانی اشتباه کرده‌اند. به عنوان نمونه، تصحیح «الفهم» بیرونی به قدر چندین تألیف، مایه و بنیه علمی می‌خواهد. وقت برده است و بسیاری اوقات،



تصحیح متنی در یک حجم زحمت بیشتری از تألیف متنی در همان عمل دارد.

بسیاری از آثاری که در ایران احیا شده و می‌شود با نظارت خیره و اهل فن است. برخی آثار هم به دست غیر اهل فن احیا می‌شود. مثلاً در احیای یک متن عربی، تسلط صحیح بر ادبیات عرب باید اقتدر قوی باشد که هر جا متن دچار لغزش یا خرابی یا افتادگی باشد ولو از طرف مؤلف یا کاتب، مصحح متوجه شود و در پاروئی کند. قلم علاوه بر مایه ایمن، قدرت خواندن نسخه خطی را تا توجه به بندها بودن بسیاری از نسخه‌ها داشته باشد.کنه دیگر تسلط داشتن مصحح بر علم و موضوع است که می‌خواهد متنی از آن را احیا کند. همان‌طور که در ترجمه گفته‌شده، مترجم بر زبان مبدأ، زبان مقصد و علم و فنی که می‌خواهد ترجمه کند باید تسلط داشته باشد. در تصحیح هم دقیقاً همین شرایط وجود دارد.

از صحبت‌های شما این نتیجه گرفته می‌شود که شما در احیای متون و نسخ خطی مقصد به نظام دستپاری و آموزشی هستید. آیا چنین نظام و سیستمی در کشور ما وجود دارد؟

به‌صورت رسمی چنین نظامی وجود ندارد و جای خالی آن احساس می‌شود. اما این کار در مؤسسات، با تقسیم وظایف و واحدی اجرا می‌شود.

**شمارگان پایین و نداشتن مخاطب (به غیر از متون درسی) و عدم رعایت حق‌التألیف (کپی‌رایت) از آسیب‌های عمالیت تراثی در ایران است چه راهکاری برای حل این مشکل و مشکلات دیگر پیشنهاد می‌کنید؟**

یکی از مشکلات هم، اجازه چاپ به متن‌های غیر مصحح پس از انتشار نسخه تصحیح شده است. بنده خود بعد از چند سال و با تحمل زحمت زیاد، مبنای المرید را تصحیح انتقادی کردم. بعد از اینکه چاپ شد، برخی افراد همان چاپ‌های

رضا مختاری در سال ۱۳۴۴ خورشیدی در رضوانشهر اصفهان به دنیا آمد. بعد از گذراندن دوره ابتدایی و راهنمایی، به تحصیل علوم دینی ورودی آرد و در حوزه علمیه اصفهان و قم به تحصیل مشغول شد. یا سیری کردن دوره مقدماتی و سطح، وارد دوره خارج شد و هم‌اکنون مشغول گذراندن این دوره است. از رضا مختاری آثاری همچون: سیاهی فززانگان، فهرست آثار خطی مشیر قزوینی، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، طرح تفویض گناختنامسی بزرگ هیبه، مقدمه صرف تروی (تخلص و ویرایش)، جمع ویرشان، تصحیح مبنی المرید فی آداب الملبی و المسفید، تصحیح غایه المرید فی شرح نکت الارشاد و حاشیه الارشاد، میراث فقهی (۱) عنا موسیقی و رسالت شهید الثانی، منتشر شده است.

**مهمترین مشکل احیای متون و نسخ خطی در ایران، در حال حاضر چیست؟**

یکی از مشکلات اصلی، کارهای تکراری و عدم اطلاع افراد از کارهای یکدیگر است. به‌گونه‌ای که بسیاری از افراد نمی‌دانند که همین کاری که آنها در دست دارند قبلاً حتی چاپ هم شده است مانند شکل ترجمه، مثلاً اسکین الفوائد شهید ثانی(ره) تاکنون پنج بار به فارسی ترجمه شده و همه آنها هم چاپ شده است. در حالی که هیچ کدام با پیش‌تر این مترجمان هم از کار یکدیگر خبر نداشتند در حالی که به جای تیزرو و وقتی که صرف این پنج ترجمه کرده‌ام، می‌شد یک ترجمه درست و حسابی ارائه کرد.

نمونه‌های دیگر، لطف حسین طبوس است که االی مثالشده ترجمه دارد، یا تفسیر کثر الثقات که هم‌زمان در سه موسسه ردی آن کاری شده. در حالی که کارهایی این چنین اجتناب‌ناپذیر هم، بودجه زیادی لازم دارد و هم وقت و توان زیادی می‌برد.

به نظر می‌رسد همه این مشکلات به خاطر نبودن بانک اطلاعات پژوهش است بانکی که همه اطلاعات را به سهولت و بی‌دردسر در اختیار هر یکی که می‌خواهد دست به یک کار تحقیقی و پژوهشی بزند قرار دهد مثلاً بگوید فلان کتاب، آیا ترجمه یا تصحیح شده؟ کجا تصحیح شده؟ یا فلان طرح علمی چندتر پیشرفت کرده. جدا رحمت کند، مرحوم استاد علامه آقا عزیز ضابطی‌را که که در باب نسخه‌شناسی استاد اول بود تا زمانی که ایشان در قید حیات بوده به مانند یک بانک اطلاعات کتابشناسی و نسخه‌شناسی عمل می‌کرد. اگر برای تصحیح و تحقیق سراغ نسخه‌های کتابی را از ایشان می‌گرفتم، همه اطلاعات آن نسخه‌ها ولی آنچه اصلاً فهرستی از آن چاپ نشده بود ارائه می‌کرد. بنده کتاب غایه المراد را که می‌خواستم تصحیح کنم، از ایشان سراغ پیشینه کار و نسخه‌های آن را گرفتم و ایشان از میان تمام نسخه‌ها، نسخه‌ای را که در کتابخانه مجلس بود معرفی کرد که در آن زمان فهرست متن مورد استفاده همان نسخه‌های بود که ایشان معرفی کرده و در عین حال در هیچ فهرستی هم معرفی نشده بود.

مرحوم آقا عزیز هم در نسخه‌شناسی و هم در اطلاع از اینکه این کتاب قبلاً چاپ شده یا نه استاد فن بود و بسیاری از افرادی که در حل حاضر روی احیای متون کار می‌کنند ترفه ایشان بوروش یافته‌اند.

به هر حال یکی از مشکلات احیای تراث شیعه در ایران

عدم اطلاع‌سازی و انجام کارهای تکراری است و دیگر آنکه، تحقیق متون تاری و علمی تلقی نمی‌شود و از این جهت برخی افراد کم‌مایه هم جرأت می‌کنند وارد این عرصه شوند و کارهای کبرمایه و آکنی عرضه کنند. از این رو به وفور وجود تصحیح‌های درجه یک در ایران، برخی تصحیح‌ها نیز فاجعه است. برعکس، کشورهای عربی که موضوع بسیاری از پایان‌نامه‌های دکتری هم، تحقیق متنی خاصی است، بنده خود در دانشگاه، موضع مشاهده کردم که تحقیق فصلی یا فصلوی را یک کتاب موضوع پایان‌نامه دکتری بود و آنقدر که در لبنان بنده را برای احیای آثار شهید ثانی تشویق کردند. در ایران کسی تشویق نکرد.

**به نظر می‌رسد در شرایط فعلی احیای تراث جای ابلاغ و خلق سأله را در حوزه دین گرفته به نظر شما علت چیست؟**

البته در این سال‌ها به احیای تراث زیاد توجه شده. اما این

به آن معنی نیست که یکی‌های دیگری را گرفته باشد. روشن است که هر دو باید در جای خود رشد کنند و اینکه در یک بخش کم‌کاری شده نباید موجب تضعیف بخش دیگر شود.



برفقط قلمی را که تا پانصد انشاه ولادت مجدد آفتاب، و وارد بازار کردند. بسیاری از خریداران هم بدون اطلاع و تنها به این دلیل که مثلاً این نسخه از خرید است، آن را می‌خرند. نمونه دیگر، کشف المراد (شرح تجریدالاعتقاد علامه حلی) است که بعد از تصحیح آیت‌الله حسن زاده آملی، برخی از چاپ‌های مغفلوب قلمی مجدداً افتد شد.

در مورد کپی‌رایت هم، اخیراً بعضی از مؤسسات و نشرات

خارج نیز منتشر کنند که البته این کار هم مشکلی‌مان دارد.

مشکل دیگر نداشتن معالفت زیاد و در نتیجه پایین بودن شمارگان کتاب‌های تراثی است. یکی از راه‌حل‌های اساسی و

شاید مهم‌ترین راه‌حل، کمک‌های ویژه‌ای است که ارشاد می‌کند و باید صورت دهد. چون توأم خریداران این کتاب‌ها یا عملاً و ضمناً هستند یا طمحه‌جا که معمولاً مقرر الیبد و نهی دست هستند و کتاب‌های درسی است. این هم به زحمت می‌خرند. کتابخانه‌ها و مؤسسات هم تعداد محدودی از این کتاب‌ها را می‌خرند به شرح ممکن است. یک کتاب احیاء و تصحیح شده یا شمارگان ۱۰۰۰ نسخه مدت ۱۰ سال بماند. بنابراین چنانچه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به جای توجه به برخی کتاب‌های تجاری یا به قول محیی از راه چاپ و فروش، توجه بیشتر و ویژه‌ای به احیای متون داشته باشد، بسیار بجاست. متأسفانه در حال حاضر کتاب‌های چسب و وصله‌ای و بازاری و سباز فربوشی و تکرار مکورات و سرفات و انتحال‌ها زیاد شده است. متأسب است وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حمایت از این بخش‌ها را کم کند و از بخش‌های علمی،

بیشتر حمایت کند.

**مهمترین دغدغه شما در این بخش چیست؟**

متأسفانه در ایران به دلیل مشکلات زیاد، به «احیای موضوعی» توجه چندانی نشده است. بنده متقدمم یکی از مسائل بسیار ضروری در این بخش، علاوه بر احیای متون مسروط و مستقل، احیای موضوعی است. از این رو سال‌ها

پیش‌اطرح احیای میراث فقهی را منتشر کردم و پس از پنج سال زحمت با همکاری دوستان علمی چند، اولین نمونه آن را در سه جلد و حدود سه هزار صفحه با عنوان «موسیقی‌ا منتشر کردم و به الان نیز مشغول دومین موضوع آن یعنی «تربیت هاله» در چند جلد و چهار هزار صفحه هستیم که در آستانه نشر است. در این طرز چهل موضوع مهم فقهی اشخاص معرفی شده است که اولین آنها غنا، موسیقی و دومین آن «تربیت هنر هلال» است. شرح این طرح در گفتاور جمع ویرشان درج شده است و به لحاظ سنگینی و مشافت فوق‌العاده کار بنده بعد از دهمین نام متن‌ها، به موضوعات دیگر این طرح بپردازم و همین موضوع برام کافی است.

موضوع مهم دیگر، احیای شخصیت محور است. به این معنی که همه آثار یک شخصیت علمی، با تنظیم و تسنیق خاص و با یک شکل و شمایل احیا شوند و این کار هم تراث بسیاری دارد. بنده و دوستانم در واحد احیای میراث علمی مرکز تحقیقات اسلامی دوره کامل آثار شهید ثانی را، به‌جز شرح لمعه و مسالک- در چهارده جلد تصحیح و منتشر کردیم و الان هم واحد مذکور مشغول تصحیح و احیای مجموعه آثار شرف‌الدین و علامه باقری و نسخ محدومین کاشف‌الغطا، است که هر دو در تفریح منتشر خواهند شد. شایسته است اهل فن به احیای شخصیت محور نیز توجه و بذل عنایت کنند.

##### بزرگداشت استاد

##### علی اکبر غفاری

##### در حوزه علمیه قم

مراسم نکوداشت مرحوم غفاری اکبر غفاری به همت تعدادی از مراکز و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی و مولیان نشر بیست و هشتم آبان ماه در قم برگزار شد. در این مراسم که با حضور مرحوب علم،

فرهنگی، پژوهشگران و دوستداران استاد غفاری برپا شد، آیت‌الله رضا استادی به

سخنرانی پرداخت.

آیت‌الله استادی اولین

تولیات تحقیقاتی استاد

غفاری را تصحیح اصول

کافی ذکر کرد.

یکی از اقدامات مرحوم

غفاری را کتب‌های علمی

وی و به معقنات و

پژوهشگران برشمرده که تنها

به قصد تربت انجام

می‌گرفت. استادی ادامه داد:

بنده خیر داشتم که ایشان

در تصحیح و تحقیق

کتاب‌های زیادی به افراد

کمی کمک کردند که چنانچه

خودش می‌خواست آن را

تصحیح کند، وقت کمتری

و صرف آن می‌کرد.

وی ویژگی دیگر مرحوم

غفاری را احضار شاسی، ذکر

کرد و گفت: غلیرفم اینکه

تصحیح، مستحسب، مقابله،

ویرایش و در انتها انجام

می‌داد. این چنانچه در یک یا

چند کتاب دیگران به وی

کمکی می‌کردند. اساسی همه

آنها را در کتاب خود

می‌آورد.

استادی، شخصیت دیگر

وی را اماتت‌داری در،

تحقیق و پژوهش برشمرده و

گفته‌ایم. ایشان کسی از

علمیان اگر جمع‌های را

تعلی می‌کرد و زبان مطلبی

که خود تحقیق و تألیف

کرده بود.ام آن‌ها را می‌آورد

و این از خصوصیات

استادهای خودمستاعه و

لهفی است.

۱۳

شماره ۲۹

پنجمین شماره ۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

۱۳۸۲

سایر محمدی

نقد مدرن به اصناف بسیاری در دهه بیست و دانشگاه تهران با درس های دکتر فاضله سیاح آغاز شد، اما امروز پس از این همه سال نقد چه جایگاهی دارد؟ در پاسخ به این پرسش عده ای بر این بودند: نقدی پیدا از نقد و انتقاد به مفهوم عام قلم نیست، چون جامعه ایران سابقه یک استاد طولانی در طول تاریخ را دارد، فرهنگ نقدپذیری در جامعه ما نهادینه نشده است و ناگزیر ما امروز نقد ادبی نداریم. آیا دانشگاه‌های ادبیات وظیفه تربیت منتقد را دارند؟ ایوه آثار تورویک نقد که در دهه اخیر ترجمه و منتشر شده، آیا به دانش نقد در نژد ما منجر شده است؟ آنچه به عنوان نقد در مجلات ادبی و در مطبوعات چاپ می‌شود آیا معیارهای یک نقد علمی را دارد؟ آیا اهل قلم ظرفیت و تحمل نقد آثارشان را دارند؟ وضعیت نقد کتاب در ایران چگونه است و چگونه باید باشد؟ ما ۸۳ تن از فرهنگ‌سازان، این مباحث را در میان گذاشته‌ایم که بخش ششم آن را می‌خوانید.

## به دنبال نقد های روشمند و راهگشا

**مدیو آرزویی نویسنده:**

**نقد را تحمل نمی‌کنند**

من در زمینه نقد که چه می‌گذرد، خبردین ندارم و صلاحیت پاسخ دادن به این سؤال را در خود نمی‌بینم. من مدت‌هاست که گریه‌کننده در خانه هستم و مجلات و روزنامه‌ها را این روزها نمی‌خوانم و نمی‌دانم که چه اتفاقاتی در عرصه ادبیات می‌افتد. اینکه می‌پرسید اهل قلم آیا تحمل نقد آثارشان را دارند یا نه، باید بگویم معمولاً اهل قلم تحمل و پذیرش نقد را بیشتر سخت است. معمولاً نقد را تحمل نمی‌کنند، چون نقد آثارشان را یک جور توطئه یک نواح تلقی می‌کنند. غالباً فکر می‌کنند نقد برای خطه یک اثر و یک فرد نوشته می‌شود، مگر اینکه منتقد و نویسنده دوست هم باشند و از یکدیگر تعریف کنند. من غالباً اهل قلم را اینگونه می‌بینم. قبل از انقلاب نقد‌ها اصولاً مطلق بود و برای آنان فرضی دادن به هم نوشته می‌شد. یا اینکه منتقد می‌خواست از نویسنده انتقاد بگوید و خودش را تریس را بگوید. آنان هم مثل گذشته است و فرق چندانی نکرده است. وقتی گاهی قلم‌ها مجله دولتی را که در حوزه ادبیات کودک چاپ می‌شود می‌خوانم می‌بینم. آشن‌شان است. کاتب همان کاتب است. همانگونه هست که بود. اما اینکه کتاب‌هایی در زمینه آموزش نقد و نقدنویسی پس از انقلاب زیاد چاپ می‌شود و زیاد چاپ نقد، چه تأثیری در دانش نقدنویسی داشته و دارد، نمی‌دانم. نمی‌توانم جواب صحیح و قانع کننده‌ای به این سؤال بدهم.

گروهی هم که نقد ادبی را مآخذ آن نقد در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی می‌دانند و معتقدند سابقه استاد سیاسی در ایران اجازه یا گرفتن علم نقد و نقدی را نداده و به ناچار نقد در ایران شکل نگرفت و به نوع آن نقد ادبی هم عقیم ماند. نظر چندصدم درسی نیست، ولی من فکر می‌کنم تا حدودی افراد آزاد در حوزه نقد سیاسی بر نقد ادبی تأثیر می‌گذارند. افراد عموماً در نقد به مباحث خودشان فکر می‌کنند. به همین خاطر من به نقد و نقدنویسی خویشین نیستم و تأثیرش را هم چندان مهم نمی‌دانم. نمی‌دانم چرا این طور فکر می‌کنم؟

من یکی از کسانی هستم که همه کارهایم را سبک‌تر گذاشته‌ام. جلد اول قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب را که نوشتم، در سال ۱۳۷۵ بوده، در ظرف این چهل و چند سال هیچ وقت یک نقد اصولی و عالمانه در مجله‌ها و روزنامه‌ها درباره کتابم ننویسند. مردم حرفی که الان می‌بینم، کتاب ما کودک و نوجوان برای هر کتسه ۱۶ صفحه‌ای دهها مورد نقد می‌نویسند و چاپ می‌کنند. دهها بار جلسه نقد و بررسی می‌گذارند و گزارش آن را نیز منتشر می‌کنند.

من نمی‌دانم چرا امر کتاب گذاشته‌ام! اصلاً از قبل هم از این مباحث‌ها برکنار بودم. کتاب من در این اجتماع نیستیم. من اصلاً اجتماعی نیستم. منتها یک اخلاصی داشتم و کارهای خوبی می‌خواستم بکنم و تا حدودی هم کار کردم و اجزش را هم جادواندم. به من رسانده و برکت هم داشته. ولی اهل قلم و منتقدان هیچ وقت درباره آثار من حرفی نزنند. ظرف این چند سال اخیر فقط یک بار دکتر حسن حبیبی در مجله نامه انجمن جیزهای مردم‌ن در آن‌ام نوشتم و چاپ کردند. دیگر هیچ‌کس در مورد آثارم حرفی نرود است. در اوایل کارم، یعنی قبل از انقلاب هم یکی- دو مورد راجع به آن‌ام در مجله‌ها نوشته بودند. پیش از انقلاب در آخر جلد اول قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب، نقل می‌کردیم مثلاً از نقدی که جلال آل احمد نوشته بود یا کسی دیگری نوشته بود. اما بعدها همین مطالب را از کتاب من حذف کردند. حالا چرا نمی‌دانم. این چه جور مبالغه و حساسی است که وقتی کسی از کاری یا اثری تعریف می‌کند و یا تعریفه کرده، ناشر همان کتاب حاضر نیست آن نقد را در پایان کتاب بیارد. من سر در نمی‌آورم چرا نقدی که آل احمد در مورد قوتولی نوشته، از کتاب من باید حذف شود. آل احمد که فرد مورد قبولی به حساب می‌آید، مگر ضلع برای کتابی که ناشر چاپ می‌کند عیبی دارد؟ صد بار، هزار بار دیده‌ایم که دیگران این کارها را می‌کنند. همه این مسائل باعث می‌شود که فضای فرهنگی ما فضای نقد و نقدنویسی، پر از شک و تردید، پر از سوء ظن و بدگمانی باشد. پادشاه کارم را عقارتند. به من داده و حدودی سگ است که از بزرگ‌چپه‌ها رنگی‌ام. را دادند می‌کنم. بچه‌های که کتاب‌های مرا می‌خرند و می‌خوانند، درآمد دیگری هم که

ندارم. هزینه‌ام از راه کتاب‌هایی که نوشتم و چاپ کردم می‌گذرد، منتها آنهایی که اهل قلم هستند و نقد می‌نویسند و نقدشان اثر دارد چه مثبت، چه منفی، هیچ وقت درباره آثارم حرف نزنند و نمی‌زنند. پیش از این نژوند بعد از این هم نخواهند زد. در این سن و سال احتیاج به تشویق هم ندارم.

من تئوری نقد بلد نیستم. فقط بلد بودم چند تا نضه برای بچه‌ها بنویسم که نوشتم. اینکه منتقد چاره‌اید آموزش ببیند، اینکه آیا دانشگاه‌ها وظیفه تربیت منتقدان را دارند یا نه، نمی‌دانم. من از فضای فرهنگی و نقد و نقدنویسی دورم. از ده سال پیش که از تهران به یزد برگشتم، با اینکه بشپیمان شدم، دیگر توان بازگشت به تهران را هم نداشتم. اصلاً در یزد نمی‌توانم کار کنم. چند کار نیمه تمام دارم که همه را کنار گذاشته‌ام.

**عمران صلاحی طنز برهان:**

**مدیون نقد شفاهی دوستانم**

نقد از هر جهت هم از نظر کسی و هم از نظر کیفی در حد نقاب نیست. وضعیت نقد بسیار مبهم است. آنچه هم که نوشته و منتشر می‌شود بیشتر سلیقه‌ای است. نقدهایی هم که امروز نوشته می‌شوند عموماً توسط اهل قلم نوشته می‌شود. چه نویسندگان و چه شاعران. اغلب نقد می‌نویسند. جالب است بدانید هر کس هر جور داستان می‌نویسد یا هر جور شعر می‌گوید، همان داستان و شعر خودش را ملاک و معیار قرار می‌دهد. بر همین اساس آثار دیگران را نقد می‌کند. در دیگر حوزه‌های هنر هم همین وضع وجود دارد. یعنی سبک‌های متفاوت و سلیقه‌های مختلف هست که می‌خواهد هر کسی را با متر و معیار خودش بسنجد. در حالی که باید تمام سلیقه‌ها را با معیارهای همان شخص سنجید و ارزیابی کرد، من این وضع را خیلی کم در میان منتقدان و نقدنویسی امروز می‌بینم. البته نمی‌گویم اصلاً نیست. هست ولی تعدادشان بسیار کم است.

من شخصاً خودم را خیلی مدیون نقد می‌دانم. نقدهایی که از من شده و یا در مورد آثارم شده، قضااتن البته شفاهی بودند. من در محفل بزرگان ادبیات فارسی که می‌نشستم از شنوایم، اطرافه و آشنی و حتی از شاعرانی که کهنه‌شهرت دارند، خیلی آموختم. به فرض شعر می‌خواندم و آنها پیشنهادهایی دادند. مثلاً می‌گفتند این کلمه جایب‌عوضی شود یا فلان سطر را باید حذف کنی، یا آن بند را باید جابه‌جا کنی من از این نظریات حضوری که عنوان می‌شد خیلی استفاده کردم.

یک عیبی که امروز آدم می‌بیند این است که همه می‌خواهند از همدیگر مع‌گیری کنند! مسأله‌ها هر کسی باید با کار خودش، خودش را نشان بدهد. بعضی‌ها فکر می‌کنند با مع‌گیری دیگران خودشان را می‌توانند جا بینارند یا مطرح کنند. هر کسی باید کار خودش را بهتر عرضه کند و این بر می‌گردد به جو اجتماعی سیاسی

که در چنین جوی، چنین حالت‌ها و وضعیت‌هایی هم هست. البته من تخصصی در زمینه نقد ندارم و ادبیاتی که می‌گویم نظر شخصی من است. اینکه در میان اهل قلم نقدپذیری وجود دارد یا نه، باید بگویم بستگی به اهلش دارد. بعضی‌ها هستند که دنبال آدم می‌کنند بعضی‌ها هم نقد را با کنشاده روی می‌پذیرند. البته بعضی نقدها هم نقد نیستند. در واقع، نقد خود صاحب اثر است به جای اینکه نقد اثر باشد. آنجاست که می‌بینیم آثار منتقد و نویسنده، دسته به دسته می‌شوند، و کار از ادبیات به فیزیک کشیده می‌شود.

کتاب‌هایی هم که در زمینه تئوری نقد و نظریه‌ای امن طی سال‌های اخیر چاپ شده‌اند، سطح دانش نقد را در میان نویسندگان، شاعران و منتقدان افزایش داده است. اما معمولاً تئوری‌ها را از دل آثاری که به وجود آمده‌اند بیرون کشیده‌اند و تدوین کرده‌اند. مسأله‌ها در خیلی از موارد در ایران می‌بینیم که افراد آثارشان را براساس تئوری می‌نویسند. خوب، طبیعی است که خود این تئوری‌ها معلوم نیست از نظر ترجمه و انتقال معنا و مفهوم آن نظریه‌ها بگرفته است. کلاً معلوم نیست محضراً در زمینه شعر و نقد آن چه باید گفت. و چگونه اظهار نظر کنی. البته نقدهایی هم که به صورت تخصصی و در یک مکتب مشخص نوشته می‌شوند مثل نقد اساتذگار یا نقد فرمالیستی و نقد را بناساختاری و… قابل تقدیر است. البته من برخی از این آثار را هنوز نخوانده‌ام.

ما نقدهای متفاوتی داریم. نقد اجتماعی، نقد سیاسی و… انواع مختلف هست یا در بررسی خود اثر، ممکن است یکی تغییر اثر باشد، یکی شرح آن باشد، یا نقدش باشد. از هر دیدگاهی، هر منتقدی می‌تواند به یک اثر نگاه کند. ولی خودم علاقه‌م به این است که یک اثر ادبی را بیشتر از نظر ادبیات مثل باید نگاه کرد و دید نویسنده چه کارهایی کرده است. مسأله‌ها گاهی اوقات می‌بینیم که بعضی از افرادی که توان دیدگاه سیاسی‌نگاه می‌کنند و به عنوان یک اثر ادبی آن را به طوطا کل‌کنار می‌گذارند و توجیح هم به ساخت و پرداخت اثر ندارند.

من نمی‌دانم چگونه و به چه شکل می‌شود نقد را آموزش داد و تبدیل به یک جریان عمومی کرد یا چگونه می‌شود نقدنویسی را یاد گرفت. نوشتن نقد را ولی می‌شود آموخت، یادگرفت و حتی یاد داد. نقد گاهی یک نقد محجواقی است یا گاهی نقد مصفون‌گرا است. هر کدام از این جریان‌ها، برای رشد و نهادینه شدن احتیاج به ترویج دارد که این جبهه‌ها را شناساندند و به همین جهت من اعتقاد دارم منتقدان می‌شود پرورش داد. مثلاً در دانشگاه‌ها رشته نقد ادبی دایر کنند. امروز نمی‌دانم چنین پرسش‌های در برنامه‌ریزی تدريس می‌شود یا نمی‌شود ولی اگر باشد، باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. می‌شود نقد را یاد داد. البته کسی که آن استعداد و ملامت را نداشته باشد با آموزش هم به جای نمی‌رسد. در مجموع نقد ادبی یک چیز علمی است و می‌شود آن را یاد داد و یا اینکه یاد





گرفت.

متأسفانه نقد در ایران همیشه با فجائش و تشویه حساب و مسائل از این دست همراه بوده است با در ستایش حلقه دوستان ادامه پیدا کرده. منتقد هر کسی را که در فضای فکری خویش هست طرح می کند و بلیه را حذف می کند یا این تصور که اگر در حلقه یاران او قرار نگیرد پس آن نویسنده یا خاین دشمن اوست و باید نقد قسمی می کند او را از میدان به در کند.

**میرجلال‌الدین خوارزمی**،**مترجم**،

**نقد به یاری خواننده اثر می آید**
نقد چندان یکی از هنر و رفتارهای انبی هور در جامعه ما کارکردارستین خود آینه‌ایک است، سه سخن دیگر ما هوراز سوی نقدو به جانیمنگرمیم و ازسوی دیگر هم نقد را باخوبیبتی پیوند در می آویزیم، آن چنان شده است که هر زمان سخن از نقد می‌رود، مدعی ما خود ناخواه به خودبسی و پهلوه جویی می‌گرید.
نو گوئی معنی نقد چن این نیست، کسی که اثر را نقد می‌کند و می‌سجد به ناچار می‌باید کاستی‌ها و کژی‌ها و ایراهنگی‌های که در آن راه جسته است به در بکشد و به آنها گفتگت نهاد. اما نقد به راستی آن است که سخن سنج یا نقد یونانذ اثری را که می‌سجد و نقد می‌کند به نقدبسی در راستی رفتار و رویه‌های آن بنشاند و بنشاندند. اثر قدیمه را در دست می‌گیرد و پیش می‌برد تاو یونانذ کتابی را که خوانده است یا می‌خواند، زوشتد و مغز و وسجداتر بنشاند، اما آنچه که ما در جامعه ادبی و فرهنگی خود به نام نقد می‌بینیم از این شیوه بسیار به دور است. این نقد چه نقد کتاب باشد چه نقد دیگر آفریده‌های هنری نه تنها خوانده یا بننده هنر دوست بلکه در دست به واروئگی مایه آشفگی و سرگشگی او در پیوند با آنچه نقد شده است می‌گردد.

شاید این ناگشیی و کم گنجایی اهل قلم در برابر نقد آثارشان بر می‌گردد به اینکه آنچه آنان از نقد می‌شناسند، بدانشان که گفته شده خروجه‌سجی و پهلوه جویی با در پارهای از نقدها پریشکاری، برسانه از نقد و نیز آثار هور و هوس دانشمنی و دومی پیونده بر گراف می‌کمان برای کسی که کتابی را نوشته است یا اثری از هرگاه در آفریده است نه تنها زیانبار و دل آزار نیست، سومند هم خواهد بود، مایه خشنودی و شادمانگی وی خواهد شد زیرا نقد انگیزه‌ای می‌شود برای آنکه آن کتاب یا آن اثر بیشتر در میانه فرهیگانان، هنردوستان و حتی نوه‌های مردم شناخته یاباید و رویگرد افزون‌تر آنان همراه بشود.

اگر خواست شما از نقد آدمی دستنمان‌های است که در این زمینه پیدا شده است، بلیاد سخن را به گونه دیگر آغاز کرد و به پیش بردن من بندهاشن خواست شما از نقد همان سخن سنجی‌های است که گاهی ما در مجله‌ها به آنها باز می‌خوریم، کاستی‌ها را کسی نقد می‌کند از دید خود آنچه را دورتر از آن کتاب شایسته می‌داند می‌نویسد. اما آن نقد که می‌گوید واژه‌ای است که اصطلاح شده است برای بررسی روندها و شیوه‌های آفرینش ادبی، اما من در این باره دیدگاهی دارم که نه تنها این دیدشان‌ها را بلکه همه آن دیدگاهها و

دانش‌هایی را که از آن ما نیست و آنها را از دیگران ستانده‌ایم در بر می‌گیرد. من برآنم که در دانش‌های گوناگون بویژه در آن دانش‌هایی که به آدمی باز می‌گردد نمی‌توانیم از دیگران از بیگانگان بهره‌بریم، زیرا این دانش‌ها با سرشت ما، با فرهنگ و تاریخ ما و با منشی بومی ما آمیخته و در پیونده است. اگر اروپاییان بر پایه شاهکارهای ادبی خویش بیستان‌ها و دیدگاههایی را یافته‌اند، این دیدگاهها و دستناها در پیونده است؛ ما نمی‌توانیم آن سنجه‌ها را و آن دیدگاهها را در بررسی شاهکارهای ادبی خویش به کار بگیریم. من بر آنم که از همان گام نخستین ما به بهره‌جویم و رفت.

گمان یکی از باسنگی‌های هر دانشگاهی تربیت منتقدان صاحب صلاحیت است، یعنی در آن بخشی که به دانش و به آگاهی باز می‌گردد؛ این کار بایسته دانشگاههاست، اما گاهی ما در این باسنگی‌هم به گمان دچار می‌شویم، می‌دانیم که برای نمونه اگر کسی در دانشگاه رشته زبان و ادب فارسی را می‌آموزد می‌تواند سنسور و یا نویسنده شود. کار دانشگاه پرورن نویسنده و سخنور نیست زیرا در دانشگاه ما با دانش نویسندهگی یا دانش سخنوری رویارو هستیم نه با

هنر سخنوری یا هنر نویسندهگی. کسی سال‌ها در زمینه ادب فارسی آواز زده و بکاود و بنویسد، هرگز نمی‌تواند اگر مایه سخنوری نداشته باشد از پیش حتی بیخی سرباید یا سطرپی نقد بنویسد و بنکارود.

**جلال‌الدین اعلم**،**مترجم**،

**نقد یا سنجشگری به دو نیت**
نخست نقد کرده را تعریف کنیم. نقد کردن (یا سنجیدن) یعنی آرج‌ها و می‌ارزی‌های یک اثر متکوب یا موسیقایی یا نمایشی یا هنری را بر رسدان و تحلیل کردن و از انسان بریار نشان داری کردن و رای زدن و در موارد بسیاری این کار همراه با تفسیر کردن و توضیح دادن است. اکنون گویم که به روزگار ما در این سرزمین نقد یا سنجشگری به دو نیت انجام می‌شود. خوب و بد، نیت خوب، به کلی ترین وجه، عبارت است از آگاهاندن جامعه از چگونگی یک کار فرهنگی، به یاری بررسی و سنجش و داوری و ارزشگذاری عقلانی، اینگونه نقد را من کمباب می‌بینم.

نیت بر سنجشگری چه بسا اینجگه همچو انگیزه‌هایی است، حب یا بغض ناخردمندانه و زایدده در روانی نابهجازه صورت جویی، میل به مطرح بودن و مفاخر فرهنگی به منزله چهوه فرهنگی خود و اقلق دادن و یا امرار معاش آسان، اینگونه نقد را من فراوان می‌بینم.
بسیار گوی، نقدشونده از رهیافت بدخواهانه نقدکننده، دل آزرده می‌شود، هر مواقعی که نقد اثری با رهیافت نیک خواهانه صورت گرفته باشد، دو حالت ممکن است پیش یابید. در حالت یکم نقد شونده از سر بخردی سنجش سنجگر را بر نمی‌تابد و خودبسنده می‌خوردند. (حالت غالب) در حالت دوم، امکان دارد که او خردمندانه سنجش کارش را بپذیرد (حالت کمباب)، من جز کتابت‌های اندک شماری از یاقی خبر ندارم. ولی آگاهی که آثار ترجمه شده در این زمینه افزون‌تر شده نشان ناخوب است. گویم اینگونه کتاب‌ها عموماً خوب باشند، ولی ذهن‌های بیسه، بسیار دایم و این را ندیده‌های نیکویی مطرح شده در چنین آثار را به درون خود دراه نمی‌دهند.

درباره نقش دانشکده‌ها در پرورن روحیه نقد و سنجشگری، بلیاد گویم که بجز دانشکده‌های علم و پزشکی و مهندسی و قنی و مانند آنها، دانشکده‌های که عهده‌دار تدریس اناسات،ت‌اعدات کارخان‌شان دادن مدرکی به دانشجو‌باشان است و نه ارائه دانشی حقیقی به آنان.

**ابوترب خسروی**،**نویسنده**،

**نقد، دیدن خود در آینه دیگری**
من نظرم این است که چون کارم ادبیات است راجع به نقد ادبی حرف بزنم، در واقع نقد ما همچگام با بسط ادبیات و توسعه آن پیش رونده است. فکر می‌کنم ما نیاز داریم منتقدان آگاه و مسلط به کمکب‌های مختلف نقد داشته باشیم و خلأ نقد علمی و اصولی را بپر کنیم، چون نقدی بی‌معارف و بی‌اسجام و گسبخته و نقدی که روشتند و راهگشا نیست، معلوم نیست به کجا می‌انجامد. الان شرایط ایجاد شده که منتقدان ما کار نقد را

خیلی آسان فرض کرده‌اند. در واقع از نظر آنها اظهار نظر یا ابراز سلفقه به جای نقد نكسته است و نقد تلقی می‌شود، نوشتن نقد علاوه بر دانشی که باید منتقد داشته نیازمند خلاقیتی است. مسکک کار هنرمند، در واقع اگر ما نقد خلاقانه داشته باشیم؟ نقدی که حاصل اندیشه منطقی و منسجم باشد راهگشای نویسنده در خلغ آثار بعدی خواهد بود.

به اعتقاد من نقد مثبت یا منفی وجود ندارد. نقد در واقع عیارسنجی کار ادبی است و به خواننده در ترک بهتر اثر و کشف جهان ناشناخته باستان و زمان کمکب می‌کند. در شرایط امروز که می‌نویسیم، نقدها یا مفرضانه است یا دوست‌ها یعنی معمولاً طیف خاصی (طیفی که در اطراف نویسنده مثلآ غائب‌الحسن اثری را می‌کنند، به تکریم نویسنده می‌پردازند و کار را خوب جلوه می‌دهند، یا اگر این منتقدان با نویسنده‌ای مشکل داشته باشند، عموماً اثرش را قافد ارزش نشان می‌دهند، البته بدون هیچ معیار و الگوی مشخص نقد. بدون اینکه بر اساس تئوری منسجمی که به نتیجه برسد، به ارزیابی آن اثر بنشینند. از طرفی یکی از پیش‌نیازهای ایجاد جریان نقد سالم و علمی، دموکراسی در کشور است. نقد به فضای باز برای گفت‌وگو و معادله نیاز دارد.بلیاد شرایط فراهم‌نشده که هر کسی بتواند آزادانه دیدگاهش را مطرح بکند، اگر آزادی‌ها در عرصه‌های عمومی بسط و گسترش پیدا بکند، بخشی از آن محرجه‌های عمومی بسط و ادبی می‌شود ولی من فقدان نقد را از جنبه‌های دیگر هم قابل بحث و ارزیابی می‌دانم.

من خلأ تفکر فلسفی در جامعه را علت نهادینه نشدن نقد و نداشتن نقدهای جریان‌ساز و عمیق و علمی می‌دانم، چراکه فلسفه حتی در بین افرادی که علاقه‌مند به ادبیات هستند، جایی ندارد. به اعتقاد من اگر کسی می‌خواهد منتقد خوبی باشد، ضمناً باید فلسفه بداند. فلسفگی که منجر به نقد سالم و سازنده باشد ریشه در علم فلسفه دارد و خلأ مطالعات عمیق فلسفی موجب خلأ نقد ادبی عمیق می‌شود.

کتاب‌هایی که چند سال گذشته در زمینه نقد ادبی و شناخت مکتب‌های گوناگون نقد ترجمه و منتشر شده‌اند، در شکل‌گیری منتقدان تئوری‌ها را خوانده‌اند و از بر کرده‌اند و هر اثری را با متر و معیارهای همین تئوری‌ها ارزیابی می‌کنند. درحالی‌که جامعه ما به منتقدانی نیاز دارد که بر اساس خلاقیت‌های خود و با درونی کردن این تئوری‌ها و با توجه به فرهنگ بومی، به نقد آثار نویسندگان بپردازند.
در شرایط فعلی وضع به این صورت است که برخی از منتقدان، آثار نویسنده را در فریم‌های قبولات خود می‌گردانند، چنان‌که اگر اثری در آن پارچوب گنجدبه سنجش آن می‌پردازند، اگر نگنجد روی تخت معروف بوگست درازش می‌کنند، اگر قدش بلندتر از تخت بوگست و پایش رازه می‌کنند و اگر کوتاه‌تر بوده، نقد آن را می‌کنند تا به اندازه تخت دربیاید. یعنی هودت نمی‌آید به اساس کار خرافه‌ای که شکل گرفته، یا یک نقد کشف و اخلاجه به زوایای پنهان اثر دست پیدا کنند نمی‌شود هر اثری را بر مبنای فرمول‌های شناخته‌شده، نقد و بررسی کرد. شکی نیست که نقدهای خوب و خلاق هم در این سال‌ها نوشته شده که نشان‌دهنده زنده بودن نقد علم و امرالی است هر چند که این نقدها اندک است. ما حتی در بین جوانان هم با منتقدانی برخورد می‌کنیم که نقدهای خرافه‌ای می‌نویسند، یعنی نقدهای ایدام که به تعمیم من یک اثر خلاقه محسوب می‌شود. هر حال این نقدها بلیاد تخیل به یک جریان شود تا بتوانیم ادعا کنیم نقد در ادبیات ما نهادینه شده است. نویسنده‌گان ما به این نقدها نیاز دارند، نیاز دارند که خوانشان را در آینه دیگری ببینند.

در این سال‌ها با نقدهای تخصصی مثل نقد زبانشناختی، نقد ساختارگرا، نقد فرمالیستی و انواع دیگر نقد در جامعه به صورت پررنگه نوشته و منتشر می‌شوند که در مجموع بسبب بسط و توسعه ادبیات ایران می‌شود. اما آنگلی این نقدها بلیاد به یک جریان واگرت نشوند که بتوانند بر جریان رهبری نقد ادبی قائل آیند. به این معنا که یک جریان سالم نقد ادبی را راهبر بشود و ضعف‌ها و قوت‌های یک اثر را در آینه این نقدها پیدا کنیم. نقدی که سالم و راهگشا باشد و یک اثر را آتالتر بکند و مطابق قاعده‌مدی هنر به صورتی آن را بازخوانی بکند. قطعاً مورد توجه و تأکید اهل قلم هم قرار می‌گیرد. اگر نقدی نوشته شود که قلمروشنی خود اثر کشف کند و انگیزش را پیدا کند و بر اساس الگوی مورد نظر نویسنده به سراخ آن برود، می‌تواند به‌خوبان بلنی بین نویسنده و خواننده ایجاد ارتباط کند.

از سویی لازم است که ما در نقدهای دانشگاهی، نقد ادبی هم داشته باشیم. کسی که علاقه‌مند است وارد حوزه نقدنویسی بشود، لازم است که این امکان را برایش دانشگاه فراهم کند و دانش و سواد این علم را در آن جا کسب کند. البته بسیاری از منتقدان در جامعه ما بر اساس علاق خوارشان و مطالعه آثار تئوریک به نقدنویسی روی آورده‌اند و با همان دانشه‌های خود به کار نقد می‌پردازند. در شرایط موجود، همین گروه‌ها هم خوب عمل می‌کنند، اما تعدادشان به اندازه انگشتان در دست نمی‌رسد، ولی اگر نظام دانشگاهی ما خوب عمل کند، بویژه در پهنه ادبیات که عرصه وسیعی است، نقد ادبی هم به میزان یک رشته دانشگاهی پذیرفت شود، عملاً نقد در ادبیات ما برآسان خواهد شد و به گسترش ادبیات کمک می‌کند.



میرجلال‌الدین خرازى



جلال‌الدین اعلم



ابوترب خسروی



**۱۵**

شماره **۲۹۸**

پنج‌شنبه ۵ آذر ۱۳۸۲

www.keshavarz.com



**کتاب، خادمان نشر و حامیان نسخ خطی**

ایران درسی و دومین نشست سالانه شابک در برلین به عضویت نظام شماره گذاری استاندارد موسیقی پیوست.

بر اساس این عضویت گروه‌های برپای نشر ایران در نظر گرفته شد که با استفاده از آنها می توان ۳۷ هزار عنوان اثر موسیقی را شماره گذاری کرد.

برخلاف نظام شابک که تمام فعالیت های آن به صورت رایگان صورت می گیرد برای عضویت در این نظام پرداخت مبلغی برای اشتراک سالانه بر اساس میزان انتشارات از کشورهای عضو ضروری است که این مبلغ با توجه به شناسه های اختصاص یافته به ایران ۵۰۰ یورو بوده است که توسط خانه کتاب به سازمان جهانی پرداخت شده است.

خانه کتاب در حال برنامه ریزی و آماده کردن پیش نیازهای نرم افزاری و اجرایی برای عضویت ناشران در

**درنگ**

## ما فقط سه روز دیگر کار داریم رعایت کنید لطفاً!

خوشحالم از اینکه بیست دقیقه زودتر از ساعت چهاردم در دانشگاه تهران رسیدم.م برنامه، قرار است چهار شروع شود و چون قبلاً خبر داده‌ام سه سخنرانی در آن ارائه می شود،با خودم فکر می کنم زودتر بروم ضبط ام را آماده کنم. کافه‌های رامپت کم،جای مناسبی گیر پیارم،کتابچه یادآوربرنامه باکیرم وبخانم و احیاناکفت وگویی باسخترانان انجام دهم. از در نشازده اژد(قوی)می خواهم وارد شوم که نگاهان از من کارت شناسایی می خواهد (البته از همه می خواهد)کارت خبرنگاری را نشان و توضیح می دهم شنستی از سوی خانه کتاب در دانشگاه علوم به مناسبت…

نگهانی می گوید:«خبرنگاری؟! اصلاً و ابدآملی شوم وارد شوم،مگر اینکه قبلاً هماهنگ شده باشم.»

دوباره توضیح می دهم درباره هفته کتاب و خانه کتاب و نشست و سیمپار و باقی قضایا. نگاهان به نظر می رسد از چیزی سر در نیارده باشد.می گوید:«اصلاً کسی به ما نگفته امروز نوبت دانشگاه برنامه‌ای است.»چانه‌زدن باوقریه های ساعت راوروی ده دقیقه به چهار می برد. می گویم من مطمئن امرو از اینجا برنامه ای.بای سیم از کسی می پرسد خبرنگاری می خواهد برای برنامه‌ای داخل دانشگاه شود، آیا اجازه می دهد یا نه؟ چند لحظه‌ای طول می خواهد تا از او رو خط کسی بگوید.آقای موره نظر بی سیم را گذاشته و دنبال کاری رفته

سوز شنیدای می آید،صورت نگاهان سرخ است وپیشی اش سرخ تورا، به شدت می لرزد و به همکاش می گوید،دیگه نمی توام تحمل کنم،دارم از سر ما خستگ می شوم…

آقای موره نظر بالاخره می گوید،خبرنگار اجازه ورود ندارد،چون اساساً چنین برنامه‌ای داخل دانشگاه تهران برگزار نمی شود. باز هم چانه‌زدن با این نگاهان که واقعاً مأمور است و معذور،فایده‌ای ندارد،به انتظامات و حراست کل دانشگاه می روم.سوزول حراست می گوید:«شما خبرنگاری؟مجوزت برای داخل شدن به دانشگاه کوا؟ کارت خبرنگاری را نشان می دهم و روال کار خبری که اصولاً برای هر برنامه‌ای مجوز نمی گیرند و خبرنگار خبر می شود و می رود… و او می گوید:«اصلاً امروز برنامه‌ای در دانشگاه تهران نیست.» باز می گویم من مطمئن که برنامه هست.چرا سؤال نمی کنید؟می گوید:از کجا سؤال کنم؟از روابط عمومی دانشگاه پرسیدم، حتی از واحد خبر هم پرسیدم ولی کسی اطلاع ندارد چنین برنامه‌ای اینجا باشد.»وقتی می بیند من اسرار می کنم می گوید: خودت برو از روابط عمومی بپرس. به ساختمان رویه روی دانشگاه می روم.بیچاره راست گفته بود.هیج کس کوچکترین خبری از موضوع ندارد. یادفرتشریه تماس می گیرم و خلاصه می توام شماره موبایل یکی از کسانی که داخل سالن حضور دارد را پیدا کنم. زنگ می زنم. گوشی را یک یک نفر دیگر می دهد و آن آقای به می گوید:«آچرا شمارااره نمی دهد؟ بگوید می خواهید بیاید.شماره دهنر دانشگاه X با عنوان X می گویم آن همه این چیزها را قبلاً گفته‌ام ولی چون کسی خبر ندارد، برنامه‌ای اینجااست. فکر می کنند من دارم هدایان می گویم. می گوید هماهنگ می کنم، جلو در باسیتید. ده دقیقه دیگری می گذرد به نگاهان داخل انتظامات کل می گویم،آقا یا شما هماهنگ شد؟ می گوید: نه،کسی چیزی نگفته.»می گویم اگر چیزی نه این برنامه پرسیم، می رسم و می توایم که انتظامات دانشگاه تهران… گویش را دستش می گیرد و با چند نفرین بالاخره می گوید:«شما می تواید داخل شوید.» ساعت ۱۳۵ است.داخل سالن که می شوم انقدر تارکیک است که حتی نمی توام مسئولان ها را ببینم. با دست یک صدتایی خالی پیدا می کنم و می نشینم. من خبرنگارم و باید سخنرانی ها را بنویسم.وقت ضبط کردن و پیاوه کردن نوازم هم نیست.چون در اولین فرصت باید مطلب چاپ و صفحه بندی شود و صبح فردا دست مخاطب باشد.

سعی می کنم به خودم مسلط باشم و هی نگویم من باید خوشتردی ام را حفظ کنم. تا بعد از پایان مراسم که بروم دفتر کتاب هفته، هزاران نکته و مطلب در ذهنم چرخ می زند که باید یادداشتی بنویسم و بگویم، حتی درخ از یک اطلاع کوچک به روابط عمومی؟ ادویرخ از ذره‌ای احترام به حق دیگری؟ ادویرخ از ذره‌ای حس سوزولیت؟ ادویرخ از ذره‌ای وظیفه شناسی؟ ولی ترجیح می دهم فقط مایع را تعریف کنم. خواننده عاقل است!

## خبرنگار خانه منه کتاب هفته روزهای شنبه ، یکشنبه و دوشنبه ۷ تا ۹ آذر ماه به طور ییایی منتشرش می شود

# ایران به نظام جهانی ISMN پیوست

**نظام ISMN** است و ناشران و تولیدکنندگان در آینده نزدیک می توانند آثارشان را در این نظام شماره گذاری کنند و از فواید و مزایای آن در بازارهای بین المللی برخوردار شوند.

شماره استاندارد بین المللی متون موسیقی ISMN شناسه‌ای منحصر به فرده برای شناسایی آثار چاپی موسیقی است و آنها را بدون نیاز به مشخصات کتابشناختی از قبیل سازنده اثر، ناشر و یا تولیدکننده آثار شناسایی می کند. شماره استاندارد بین المللی موسیقی بر اساس استاندارد ایزو ۱۰۹۷0 در سال ۱۹۹۳ ایجاد شده و در حال حاضر حدود ۵۰ کشور عضو این نظام هستند.

از آنجایی که تجارت آثار چاپی موسیقی در سطح دنیا در حال گسترش است، مشکلات مربوط به دسترسی آسان به عنوان باورپایش خاصی از عنوان از حال افزایش است. نام

## نشست شابک و شاپا برگزار شد

به گزارش خبرنگار کتاب هفته در این نشست که در دانشگاه علوم دانشکده تهران برگزار شد، سه سخنرانی با عنوان «شابک چیست؟» و «تحولات آینده شابک» از سوی داریوش مطیلی؛ مسؤول شابک ایران و «تحولات آینده شابک» توسط میریها، از سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران ارائه شد.

در این برنامه داریوش مطیلی درباره ضرورت وجود شابک (شماره استاندارد بین المللی کتاب) آثار ترجمه آن در دنیا سابقه شابک در ایران و ساختار شابک و معنای شماره های آن مطیلی از بیان کرد.

وی همچنین به کاربرده شابک در مراکز نشر، توزیع، فروش و کتابخانه ها نیز اشاره کرد.

میریها نیز با بیان اینکه شاپا شماره منحصر به فردی است که به نشریات داده می شود،تفصیلات در سرتاسر جهان با این شماره قبیل شناسایی هستد و محل نشر، زبان و نوع آنها از طریق آن قابل تشخیص است.

وی در ادامه به مغفرت های شاپا،شابک و پرداخت و مواردی را که شاپا به آن تعلق می گیرد برشرد.

در ادامه باز هم مطیلی، درباره تحولات آینده شابک به سخنرانی پرداخت.



نشست «شابک و شاپا چیست؟» توسط خانه کتاب با همکاری انجمن کتابداران ایران و سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران عصر روز گذشته برگزار شد.

## حدیث عشق در بزرگداشت دکتر اصغر مهدوی

کتاب «حدیث عشق» به مناسبت بزرگداشت دکتر اصغر مهدوی توسط کتابخانه مجلس شورای اسلامی منتشر شد. در این کتاب که دارای چهاربخش است پس از یادداشت ایرج افشار ، سائلشمار زندگی و آثار دکتر اصغر مهدوی آورده شده است. در بخش اول کتاب، مقالات، تألیف و ترجمه دکتر مهدوی و در بخش دوم اسنادی از خاندان مهدوی منتشر شده است.

بخش سوم شامل مقالاتی از ایرج افشار، محمد امین ریاضی، نصرالله پورجوادی، سلیم نیساری، ابراهیم باستانی پاریزی، هما ناطق و… درباره دکتر اصغر مهدوی است.

## بزرگداشت شرف الدین خراسانی

مراسم بزرگداشت دکتر شرف‌الدین خراسانی (شرف) اسناد فلسفه به مناسبت نخستین سالگرد درگذشت وی به همت مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی برگزار می‌شود.

در این مراسم دکتر صادق سجادی، دکتر محمدتیمود دکتر ابوالقاسم ذاکرراه، به ترتیب درباره مقالات فلسفی دکتر شرف در دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، زندگی و شخصیت دکتر شرف،و

## مسابقه کتابخوانی «یار مهربان»

یار مهربان نام رفاقی انبیرتی است که میزان آشنایی کودکان و نوجوانان ایرانی را با کتاب و کتابخانه‌ها همزمان با هفته کتاب به محکم مسابقه می‌گذارد.

به گزارش روابط عمومی کانون پوررش فکری کودکان و نوجوانان، این مسابقه دریاگاه اطلاع‌رسانی کانون درایتربند و در

بخش مسابقه آن از روز سوم آذرقابل مشاهده است. سزوال‌هایی پیرامون کتاب‌های کودکان و نوجوانان،نویسنده‌گان، شاعران و تصویرگران این حوزه، کتابخانه‌های کانون و نحوه



بهرمندی از خدمات آنها، موفقیت‌های بین‌المللی کتاب‌های کودکی ایران و پرورش‌هایی پیرامون هفته کتاب جمهوری اسلامی در قالب ۳۰ سؤال چهارگزینه‌ای در این بخش مطرح شده است.

کتابخوانی ISMNwww.kanoonpanvesh.com بهمن همزمان با یادگه با

قریانی می‌توانند به سزوال‌های مسابقه یار مهربان در مدت ۳۰ دقیقه پاسخ دهند.به ۱۲ برگزیده این رقابت انبیرتی پس از پایان مهلت تعیین شده جوایزی اهدا خواهد شد.

تولیدکننده و آهنگساز (و حتی سراینده) نشانه مناسبی برای شناسایی آثار نیستند. درحالی‌که با استفاده از ISMN می‌توان اثر را بدون اشتباه شناسایی کرد.

یکی از اهداف مؤسسه خانه کتاب کمک به فراهم شدن زیرساخت‌های داد و ستد در حوزه فرهنگ و در سطح بین‌المللی است که این ساله بدون هماهنگی با سایر کشورها امکان‌پذیر نیست.احداثیادنگی از نظام‌های شماره گذاری بین‌المللی یکی از این زیرساخت‌ها هستند. پس از عضویت در شابک ISMN برنامه خانه کتاب برای اخذ نمایندگی نظام‌های شماره گذاری در حوزه محصولات فرهنگی و با توجه به بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته در طول یک سال گذشته و نیز فواید و امتیازهای حاصله، عضویت ایران در نظام ISMN، توجیه به شتابت آن با نظام شابک در دستور کار خود قرار داد.

